

انتخابات و فرمیسیم چریکهای فدائی ص ۳

اعتصاب سراسری کارگران گیلان

شورای کارخانه، یونس از شوراهای کلبه، کارخانجات گیلان در تاریخ ۱۸/۱۱/۵۸ دعوتی جهت ایجاد اتحاد شوراهای کارخانجات استان گیلان بعمل آورد. طی نشستهای بالاخره برای اتحاد عمل و تحقق خواسته های بحق کارگران، تصمیم گرفته شد که اتحاد شوراهای کارخانجات گیلان تحقق یابد. لیکن اسناد ارکیلان شوراها را برسمیت نیشناسد، بهین جهت و همچنین برای گرفتن حق سود کارخانه (صوبه شوراهای کارگران گیلان) کلبه کارخانجات گیلان (بیش از ۳۴ کارخانه) در تاریخ ۱۲/۱۴ از خروج کالاها

واحد های تولیدی خود جلوگیری بعمل آورد و در روز ۵۸/۱۲/۱۵ اعتصاب عمومی براه انداختند. خشی از خواسته های کارگران از این قرار است :
- برسمیت شناختن شوراهای کارگران و از این بقیه در صفحه ۸

انتخابات یا شار لا تانیسم ؟

يك باردیگر دكراسی ۱۱ در شك انتخابات مجلس شورای ملی بصورت ابوالهول نشان داده شد كه حتی ابوالهول بیچاره را از اینکه اسمش ابوالهول است سخت خجالت زده نموده و به اعتراض واداشت تا فریادی بر میخیزد كه ای ابوالهول ترا سمی وزر ماساخت و مامم میتوانم ویران سازم ابوالهول دیگر جوابی نداشت كه بدهد. ساكت شد. روز از نو، روزی از نو. از پشت بلندگوهای تبلیغاتی صدای داغ رنگ خوردگان سم و زر به گوش میرسد. بمقامید، روزی نوی شما انتخابات مجلس شورای ملی است. بوسیله این انتخابات است كه حكومت خود شما بر خودتان تحقق خواهد یافت، آزادی مفهوم واقعی خویش را خواهد یافت بقیه در صفحه ۴

کارگران پارس متال حق خود را می خواهند

"کارخانه" پارس متال یکی از صد ها کارخانه ایران است كه مانند تمام کارخانه های دیگر سر طبق قوانین سرمایه داری وابسته اداره میشود، قوانینی كه بر اساس آن منافع اقلیت ناجبیزی را تضمین نموده و حقه و فحانه منافع توده های میلیونی را زیر پا میمانند. قوانینی كه حتی سا دان ۲۰ هزار شهید بعلت نبود رهبری طبقه کارگر همچنان با بر خام ماند و فقط با پوششی از مذهب بقیه در صفحه ۱۱

اصول کمون جاودانه است

بمناسبت ۱۰۰مین سالگرد قیام مسلحانه کارگران پاریس



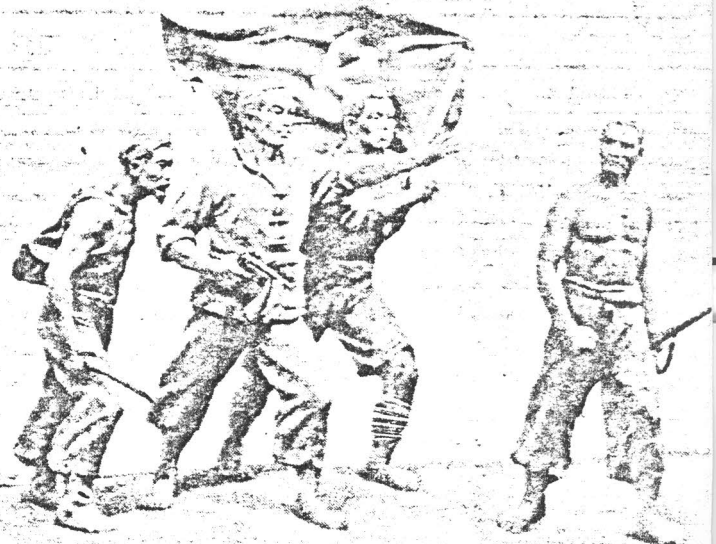
پیکار خلق

نیمه اول فروردین ۵۹ به ۱۵ ریال (۳۶) گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

کارگران، دهقانان، مردم مبارز!
سال نو مبارک
سال ۵۹ باید سال وحدت و مبارزه گردد

به پیشواز سال ۱۳۵۹

کارگران، دهقانان، زحمتکشان، مردم مبارز ایران!
سال ۱۳۵۸ سالی بود پر از امید، پر از مبارزه و پر از تجربه اندوزی. خلقهای میهن ما نیروز سال ۵۸ را در شرائطی جشن گرفتند كه رژیم فاشیستی محمدرضا شاه این سگ زنجیری امپریالیسم امریكا، به برکت قیام پر شكوه خلق سرنگون شده بود. در نوروز ۵۸ قلب همه زحمتکشان ایران برای شروع سالی كه در آن دیگر ستم و استثمار سرمایه داری وابسته راه زوال به پیماید، متپید. خلقهای زحمتكش ایران سال ۵۸ را به امید نامودی كامل سلطه امپریالیسم از میهن شروع نمودند. در يك كلام، زحمتكشان میهن ما به امید دست یافتن به زندگی فارغ از ستم، فارغ از سگاری، فارغ از گزانی، فارغ از بی بنداشتی به امید دست یافتن به استقلال - كار - آزادی - رفاه اجتماعی، وارد سال ۵۹ شدند. اما سال ۵۹ سالی بود پر از تجربه و درس آموزی برای زحمتكشان. زحمتكشان در سال ۵۹ بقیه در صفحه ۲



خلق را متحد کنیم امپریالیسم و عمالش را درهم کوبیم

به پشاور...

گذشته در بسیاری از موارد در عمل دوستان واقعی خود را از دوستان دروغین باز شناختند. کارگران با گیت و پوست خود نس کردند که همان سرمایه داران گرد گفت هنوز بر زندگی آنها حاکمند و شیوه جان آنها را با تحصیل شرایط سخت کار در ازا، مزد ناچیز میکنند و دولت "جمهوری اسلامی" با استفاده از گیت، شیوه های زور و سرکوب و با محروم کردن کارگران از شرکت در تصمیم گیری در مورد سرنوشت خویش به دفاع از سرمایه داران بزرگ پرداخت و در عمل نشان داد که بر خلاف آنچه در حرف مدعی است در عمل مدافع سرسخت و نماینده واقعی دشمن خلق میباشد.

دوستان نیز در عمل دیدند که دولت جمهوری اسلامی "در دین دست پریم دروغین" صادره و زمینهای بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان "را" دارد و با دست درگیر قوت آنها و زمینداران بزرگ و خدای گردن گفت را علیه دهقانان حق طلب مسلح و آنها که دهقانان ضحاکه از حق خود در دانش زمین در مقابل ثوابت دفاع میکردند، دولت یوسنه ارتش و پاسدار و کیت بر علیه دهقانان وارد عمل گردید.

مردم دیدند که حکومت "جمهوری اسلامی" به گردستان حمله کرده و تفرقه ها براه انداخت که در بدنه ترس آن صدام مردم قارنا بود. اما گردستان مهربان خون کوهی در مقابل آنها ایستاد. دولت غیرم تمام تجهیزات مدرن نظامی در گردستان مفضاحانه شکست خورد. ایند برخی از شهرهای گردستان محاصره اقتصادی نمود و در صد کسیر آن میاندادتا گردیدن ترسب خلق کرد را زیاد در آورد.

در ترکمن صحرا، آحا که دهقانان در شوراهای دهقانی متنگ شده و قوت آنها و زمینداران را بیرون رانده اند، ارتش و پاسداران تحت سپاه های واهی به تظاهرات و میتینگها حمله کرده و چهار نفر از رهبران جنبش دهقانی را به شیوه "انگشتی هشتی ترور" کردند.

در ... مردم به تحریر آموختند که سرمایه داران لیبرال و دولت بازرگان که کمر بسته "امام" بود با هزار بند مرئی و نامرئی با دشمن قسم خورده، ما یعنی "امیرالایسم امیکار" را بیه و زد و سندان شدند.

مردم دیدند که جناحی وزیر "ارتداد ملی" بکسر آجت از عنوان مقام وی برمی آید - یعنی تحسب رند و اراده "حقوق ملی در مقابل سلطه امپریالایسم" در عزم با امپریالایسم امریکا سر و سر داشت و مردم فهمیدند که چرا این جناب وزیر "ارتداد ملی" به شبه تمام مضبوطات شرقی را غیر قانونی اعلام کرد. مردم دیدند که امپریالایسم معاون نخست وزیر، خیر حین امپریالایسم امریکا از آب در آمد و بازرگان با بشیری تمام از تضام این حیانتها دفاع نمود. مردم دیدند که نیکسار مدتی وزیر دفاع، فرمانده نیروی دریایی و استاندار خوزستان و جانشین وی نیکسار علوی رسماً مزد بکسر امریکی حیانتکار بودند. مردم به رأی همین دیدند که شورای "انقلاب" و یوسنه رسوا برین عناصر آل شش پشینی، حمیتی، حاکم، مدتی مبدوی کتی و محیط زاده و میخانه ارتقاء

کوله بجای...

طی شش از یکسای اخیر دستگاههای سرکوبگر حکومتی ارضیه کینه هاو پاسداران، ارتش و شهرتانی از هیچ اقدامی جهت سرکوب خواستهای زحمتکشان و برقراری "نظم" و "امنیت" برای سرمایه داران بزرگ و وابسته مترج فرگنداری نکردند. درگیری اخیر اندیشک هم آفرین آن نخواهد بود. براسی حرامقادات حکومتی و دسته های روزگور آنها حوادث اخیر اندیشک را بوجود آورند؟ زیرا که حکومت آنها، حکومت سرمایه داران است و سرمایه داران همیشه می خواهند بقیت زندگی فنییرانه و فلاکت با مردم سود های گزافی به حیب بزنند. سرمایه داران همواره تعد از زیادی از مردم را بصورت بیکار رجسامعه نگه میدارند تا هم نتوانند کارگران شاغل را همیشه تهدید به اخراج نمایند و هم بدینوسیله سطح دستمزدها را پایین بیاورند. این جزو ماهیت سرمایه داری است. در مقابل توده مردم بویژه زحمتکشان در محتوی کار برای سیر کردن شکم خود و خانواده نال در سرازه، دائمی با دولت سرمایه داران که خود را مسئول جامعه میداند، میباشد. براین اساس بود که بیش از چهار هزار نفر از بیکاران اندیشک که دروغین بودن عددهای مقامات دولتی برایشان کاملاً مشهود شده بود، دست به راهپیمایی زدند. عوامل سرکوبگر حکومتی که دیگر جبره واقعی آنها بعنوان نیروی فشار و سرکوب بر ملا گردیده، از قبل دست به نقشه توطئه کردند ای زدند. آنها در بازار اندیشک و بین کسب و بازاریان شایعه کردند که عددهای ضد انقلابی میخواهند دست به راهپیمایی زد و به بازار انقلابی حمله کنند. بدینال این شایعه مدی از خود با ننداران و عوام کینه و اویشان را در روز راهپیمایی مأمور حمله به بازار و مغازه ها کردند هدف از این توطئه، خنثی آن بود که عددهای از بازاریان و کسب و مردم عادی را علیه تظاهرات بیکاران تحریک کرده و بشیرانند تا اینکه در پناه موجود آوردن یک حین زد و خورد کاملاً ساختگی و تصنعی نتوانند در پوشش "میانجی" و "برفرار کننده" آرایش وارد میدان شده و با دست باز تریه سرکوب سازات بیکاران سر-اخته، خسروان آزاد سنگبر کنند. ساری از مردم سازات اندیشک ماهیت این

این حیانتها دفاع کرده و افتاد آنها را رسماً از رادیو تلویزیون "مند" اعزام نمودند. اما امروز ما در ناره با متحد شاهدان هستیم که نام همین عناصر یکی بر سر دیگری از صندوق های رأی نمایندگال محضر شورای ملی در می آید. مردم ما خشم خود هزاران نقش و تزویر در کار انتخابات دیده اند. بر تعجبی نیست که نام کاندیداهای بیروهای شرقی با وجود پشتوانه توده های که در برخی ماضق دارند از صندوق در نماید. این استیاده گتاهی از اعمال هیأت حاکمه در گیتی که گشت. اما زحمت گشای مس ما در سال گذشته یک دم از پای ننشستند و با شیوه های مختلف اعم از راهپیمایی اعتصاب، تحصن، اعتراض و... فریاد حق طایفه حوض را رسد نمود. اگر چه هیأت حاکمه در همه جا دست به سرکوب زد اما تمام این سرکوبها خلق ما را در "راه" خویش محسوسر نمود. امروز بسیاری از مردم که در یک سال اخیر دل به این حکومت بست بودند از آن روی برگرداند

در وزیر ارشاد و توطئه ها را باز شناخته و بد پشتی از تظاهرات بیکاران سرخاستند. اما عوامل مزدور و توطئه گر کسب می و سیاه نامه اران ضد انقلاب سعادند به تظاهرات بیکاران حمله کرده که در نتیجه تیراندازی پاسداران، تعد از زیادی زخمی و عده ای دستگیر شدند. در این حمله وحشیانه همچنین تعد از زیادی پاسداران زخمی و کشته شدند. بیکاران که از همه توطئه گریها و اعمال ضد انقلابی دستگاههای حکومتی بخشم آمده بودند، در مقابل مهاجمین ایستادگی کردند و بعد با اجتماع خود در مقابل مقر پاسداران خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط یارانشان شدند. باور بود تعد از زیادی پاسدار و دسته حماق بدست و اویش از زخم و دوباره به تظاهرات کشیدگان حمله شد. روزنامه اطلاعات ۲۷ اسفند تعد از زخمی شدگان را از زخم رئیس شهرتانی اندیشک ۶۰ نفر ذکر کرده است.

بدینال این حوادث خونین روابط عمومی ستاد مرکزی سیاه پاسداران اطلاعاتی ای از نوع اطلاعاتی های ساواک به این طرح صادر کرده است "برابر اعلام سیاه پاسداران در زخم روز ۱۲/۲ بین عده ای از مردم در زخم و مزدوری که غیر مستقیم از عناصر ضد انقلاب برون مرزی تقویت شده اند و در ایستگاه راه آهن متحصن شده بودند و مانع ورود و خروج مسافین و کارکنان راه آهن اندیشک می شدند، درگیری روی داده که در اثر آن سیاه و آرد عصب شد. ولی بر اثر حمله این مزدوران به سیاه اندیشک، سیاه ناچار به تیراندازی مهاجمین پاسخ داد که در نتیجه یک تن از مهاجمین کشته و ۲۰ نفر از آنها و مردم محروم گردید. براسی که مزدوران حکومتی در توطئه گری و دروغ پردازی و عوام فریبی کوی سبقت از دستگاههای فاشیستی "آرماهری" و "باند خائنین" بختیار" ربوده اند. این نوع دروغ پردازی انسان را به یاد عوام فریبی های دولت حشید آموزگار در رابطه با قیام ۲۹ بهمن تیریزی می اندازد. در آن زمان هم شایعه کردند که عددهای عامل و مزدور و مهاجم از برون مرزها وارد شده اند و به مردم تیریز حمله کرده اند. اما واقعیت این بود که مردم تیریز علیه رژیم شاه مبارزه می کردند و شهید و زخمی می دادند. این بار هم مردم سازات اندیشک هستند که برای بدست آوردن کار شرافتمندانه مبارزه می

نیده و در بسیاری از موارد در مقابل این حکومت ایستادند. با دربر گرفتن از تمام این تجارب است که به استقبال سال جدید میرویم. در سپاه سال گذشته بخوبی نشان میدهد که هرگونه پندار واهی در مورد این دستگاه حکومتی را باید یک سره بدور ریخت. این حکومت نه ملی است و نه دموکراتیک و نه خلقی و نه هیچ جنبه ای از آن را دارد. این حکومت که اجزا آن را لیبرالها، روحانیت اشرف مش، سرمایه داران وابسته و اداری مستقیم امپریالایسم تشکیل میدهند، تماماً ضد انقلابی و ارتجاعی و ضد خلقی میباشد و باید با توسل به شهر سلحخانه و بدست توده های خلق سرنگون گردد. توده های خلق باید از این همه در سپاه عبرت انگیز سال گذشته تجربه گیری کنند. کمونیستها باید توده های مردم را در این امر یاری رسانند. خلقهای مین ما باید در سال آید، صفوف خود را محکم کنند، تشکیلاتهای توده های خود را بوجود آورند

این فاعرمان...

نیمت بی حقوق و پاداش و عیدی بابت چه کاری مطالبه می کنند و حرامقادات نخست وزیری قبول رسیدگی به آنها میدهند؟ صد ها هزار نفر کارگر بیکار بارها خواستار رسیدگی به وضعیتشان شده اند اما عیارا: تقصیری های کیت و سیاه پاسداران روبرو میشوند و حتی تا حال چند نفر از آنان از حمله نارتو میقان، طحان و... بدست مأمورین کیت و پاسداران شهید و بسیاری دستگیر شدند و اند و مقامات نخست وزیری هیچ اقدامی نکردند. اما در مورد قول رسیدگی به کارسواکی ها هیچ حای تأمل برای آنها نیست.

در زمانیکه مردم زحمتکش چین ماسریناهای نداشته و نمیتوانند شک خود را سیر کنند، چگونه ساواکیها و افراد خانواده "تسکاران رژیم شاه که عری از خون این ملت مکیده اند" باز با کتاسی تمام ادعای "حق" می کنند و عیدی میخواهند؟ علت یک چنین گستاخی در چه حیز است؟ علت آترای شک باید در ماهیت هیأت حاکمه دانست. آری این لعن ضد خلقی و سرکوبگرانه هیأت حاکمه است که اجازه یک چنین گستاخی بشیرانه را به این مزدوران کیف میدهد و بی شرمانه تر از آن قول رسیدگی به کار آنها از طرف نخست وزیری می باشد. آری زمانیکه این هیأت حاکمه سازات حق طلبانه کارگران شرافتمند را با تکه ضد انقلاب میکود و سازترین آنها را اخراج میکند و با تکه زندان می اندازد، دهقانان که برای یک زندگی انسانی خواهان زمین بوده اند راه خاک و خون میکود و رهبران آنها را در ترکمن صحرا میکود فاشیستی ترور میکند، قراردادی امپریالیستی را تعد بد میباید، "الحق" که ساواکیها هم باید دم از "حق" و "حفظ امنیت" بزنند.

کنند. حکومتگران بدانند که همانگونه که در آن زمان مردم ساز ایران فریب دروغهای اربهای حکومت را نخوردند، این بار هم در مقابل جنین اطلاعاتی هائی که دروغ و باوه ای شش نیست، کاملاً آگاه و هوشیار خواهند بود.

و صفوف خود را در مقابل امپریالیسم و کیت نیروهای ارتجاعی متحدتر نمایند. سال ۱۳۵۹ بیشک سازات توده های اغتلا خواهد یافت و ما بایستی نیروهایمان را برای پیشواز چنین سالی آماده نمائیم. جنبش کمونیستی ما که باید پیشقراول توده های خلق باشد، به علت اینکه هنوز پراکنده است، بعلت اینکه هنوز نتوانسته پیوند فشرده ای با زحمتکشان بویژه طیف کارگر برقرار نماید، متأسفانه قادر به تدارک لازم برای تجهیز و سازماندهی مناسب سازات توده های نیست. بنابر این سال ۵۹ را باید به سال وحدت و فائق آمدن بر مشکلات تبدیل نمود. اگر جنبش کمونیستی ما نتواند صفوف خود را به یک بارچه نماید و بر وحدت اندولوپیت - سیاسی تشکیلاتی نائل آید، قادر نخواهد گردید که سر جنبش فزاینده توده ها تأثیر قابل توجهی بگذارد. بنابر این سال ۵۹ را به سال وحدت و مبارزه تبدیل نمائیم.

انتخابات و فرمیسم چریکهای فدائی (۱)

انتخابات و مجلس برای هیأت حاکمه در این مقاله حد مفهومی داشت؟

هیأت حاکمه تا تشکیل اولین دوره قانونگذاری مجلس شورای ملی، میخواست تسمه های قدرت را محکمتر کرده و "قانون" به سرکوب مردم بپردازد. درست به همین خاطر است که یکی از مهمترین شعارهای تمام جناحهای حکومتگران کونی مسئله "قانون"، "نظم"، "امنیت" میباید. اما از این انتخابات هدف، دومی را دنبال میکرد. آن اینکه تمام توجه توده مردم را از مبارزه های که در حال شک گرفتن سوی یک انقلاب انقلابی است منحرف نموده و به مسئله "مجلس و وعد و وعید ها و سالیسهای درون آن معطوف نماید.

اما مجلس و مبارزه انتخاباتی برای کونیستها حد مفهومی دارند؟

همانطور که نشین گفت پارلمان بورژوازی چیزی غیر از یک مجلس بوراخی و پرحرفی نیست که تصویبات آن بوسیله سرمایه داران در جای دیگری اتخاذ میشود و نمایندگان آنها که با هم وکلای مردم در پارلمان نشسته اند، آن را از تصویب قانونی میگردانند. آیا از اینجا چنین استنتاج میشود که کونیستها میخواهند توده های میلیونی مردم را در مبارزه هدایت کنند؟ باید نسبت به مسئله پارلمان و انتخاباتی تفاوت باشند؟ مسلماً خیر. کونیستها در این زمینه همچون سایر عرصه های مبارزه اجتماعی باید همواره نقش فعالی ایفا نمایند. تا اینجا فرمیستها و پارتی لمانتاریستها هم حرفهای مارتنی میگویند. اما مسئله به همین جا خاتمه نمی یابد و درست از اینجا بیعت است که مرز بین مارکسیسم انقلابی و فرمیسم و اپورتونیسم روشن میگردد.

اصول کونیستها در این زمینه چیست؟

الف - مبارزه پارلمانی و مبارزه انتخابی برای کونیستها تنها ابزاری است جهت تبلیغ و ترویج توده ای. یعنی تریبون پارلمان و امکان تبلیغات انتخاباتی برای ما تنها بطنیه ابزاری است جهت افشا "بورژوازی ارتجاعی"، سالیسیها و عوامفریبیهای وی و آگاه نمودن توده ها مسائل واقعی اجتماع.

ب - کونیستها از طریق شرکت در مبارزه پارلمانی و انتخاباتی باید قبل از هر چیزی سر بودن پارلمان را برای توده ها روشن کنند. کونیستها به توده ها میگویند که پارلمان بورژوازی حتی اگر ما هم بدون آن راه یابیم به هیچ وجه قادر نیست، مسائل اساسی جامعه را حل کند. کونیستهای مبارزه پارلمانی شرکت میکنند تا مهمل بودن پارلماناریسم را به توده ها توضیح دهند.

ج - کونیستها از طریق شرکت در مبارزه پارلمانی و انتخاباتی این امکان را برای توده ها بوجود میآورند که آنها بتوانند بین برنامه های ما و برنامه های دغلکارانه بورژوازی مقایسه کنند.

د - کونیستها به پارلمان نمیروند که در سفره بورژوازی سهمین شوند یا اینکه با بورژوازی بر سر این یا آن قانون حانه زنند. (این مسئله دوم میتواند پیش آید و کونیستها میکنند فوایسی نفع زحمتگشای تصویب نمایند اما هدف از رفتن به پارلمان این نیستند) خیر کونیستها در پارلمان و مبارزه انتخاباتی شرکت میکنند تا ضرورت سرنگونی بورژوازی ارتجاعی را با توضیح سالیسیها و دغلکاریهای بورژوازی در پارلمان برای توده ها تفهیم نمایند. اما از طریق شرکت در پارلمان نمیتوان بورژوازی ارتجاعی را سرنگون نمود و پارلمان ابزار کسب قدرت دگرگانی خلق نیست. لذا شرکت در پارلمان و مبارزات انتخاباتی کاملاً تحت الشعاع انواع دیگر مبارزه مسلح اعتصاب اقام، جنگ مسلحانه و غیره بوده و نسبت به آن کاملاً نقش تبعی دارد. بنابراین نکته اساسی بهیچ وجه این نیست که آیا باید بطور کلی در انتخابات شرکت کرد یا نکرد. بلکه "بله یا نه" گفتن به این مسئله معنایش آن است که هیچ یاسخی به مسائل اساسی روز داده نشود. "بله یا نه" گفتن در صورت متوسط میشود به مسئله اساسی تر یعنی سیج توده ها در راه انقلاب علیه قدرت حاکمه سیاسی. درست به همین مسئله است که حکومتی شرکت در مبارزات پارلمانی را تعیین میباید.

حال با این مقدمه بررسی مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران "میردازیم.

فدائیان در اول مقاله "مادر انتخابات باید از کدام کاندیداها حمایت کنیم" چنین مینویسند: "ما کونیستها موظفیم آن معیارها و اصول معینی را که دیدگاه ایدئولوژیک ما آن را تصدیق میکند، صریح و روشن تدوین کنیم. ... سایر این مواضعی که رفتاری فدائی در این مقاله ارائه داده اند مربوط به سیاست تاکتیکی و روزمره توده ها، بلکه اصول معین دیدگاه ایدئولوژیک آنها را مشخص میسازد و ما حق داریم در توضیح این مسائل "اصول" و "دیدگاه ایدئولوژیک" آنها را بشناسیم. نخست نظر خواننده را به یک نقل قول طولانی از همان مقاله "نگار" جلب

ما قبل از هر چیز معتقدیم که مسئله حمایت وقتی میتواند حسنه حدی و عملاً مؤثر بخود نگیرد و در وضعیت تعادل سروها (تأکید از ماست) مؤثر واقع شود که کاندیداها از حمایت توده های معین و مشخص (تأکید از ماست) بهره درصفا.

سازمان چریکهای فدائی خلق در نشریه "نگار" شماره ۱۰ مقاله مفصلی تحت عنوان "ما در انتخابات باید از کدام کاندیداها حمایت کنیم؟" در زمینه انتخابات نگاشته است. بررسی این مقاله بلحاظ انحرافات زیادی که در آن نهفته است، حائز اهمیت بسیاری میباید. در همین حال این مقاله تحلیلی یک سیر تکاملی اپورتونیسم راست در این سازمان میباید.

نگاهی کوتاه به مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق طی حد اقل یکسال اخیر و شاخص اساسی را بنا نشان میدهد. نخست اینکه این سازمان مواضع سیاستهای خود را نه بر اساس اصول و تحلیل علمی از سیر مادی جامعه، بلکه بر پایه وقایع روزمره و حدا کردن فاصله بین دو واقعیت حرکت کلی جامعه، تعیین کرده و همواره از یک موضع به موضع دیگری در غلطیه است. مثلاً آنجا در آستانه قیام نقش جناح روحانیت را به عرش اعلی میبردند و آنرا تا حد رهبر حشش تقدیس میکردند. بعد از حوادث سندج و ترکمن صحرا در مقابل دولت بورژوا - لیبرال بازگان کرنش کرده و در مقابل حملات ارتجاعی کمیته ها، پاسداران و باند های سیاه از بورژوازی لیبرال استعفا میطلبیدند و آن را مسئول جلوگیری از چنین حریانی می دانستند و سیاست "وحدت - مبارزه" را نسبت به بورژوازی لیبرال در پیش گرفته بود. فدائیان در آن زمان در نامه سرگشاده نشان به "بازگان" نوشتند: "فدائیان مشخصاً اعتقاد دارند که استحکام دگرگانی دستگاه دولت و گردش حرخ تولید و انتقال اصولی اختیارات و مسئولیت نهائی حل و فصل امور به دولت و مقابله با هرج و مرج طلشی و آتارشیگری قلی که از جانب عوامل غیر سیاسی و غیر متعهد در برابر مردم دامن زده میشود امری است که در این مقطع سود مافع خلق و به زیان ارتجاع که خواهان تشدید آشفتگیها است تمام خود دهد شد."

پس از هجوم هیأت حاکمه به کردستان و به کلیه زمینه های دگرگانی در سایر نقاط ایران (۲۸ مرداد ۱۳۵۸) روزنامه کار مواضع نسبتاً حسنی نسبت به قدرت سیاسی حاکم اتخاذ نمود و سخن از "حاکمیت ارتجاعی" و یا "ارتجاع حاکم" و غیره بمیان آورد که مفهوم دولت ارتجاعی و ضد خلقی را داشت.

پس از جریان اشغال لانه حاسوسی و سیاست باصلاح ترنر هیأت حاکمه سازمان چریکها مواضع جدیدی مبنی بر خصمیت دوگانه (مرفی و غیر مرفی) دولت اتخاذ نمود ولیبه نیز جمله خود را متوجه بورژوازی لیبرال کرد و در مقابل جناحهای دیگر هیأت حاکمه، سیاست "وحدت - مبارزه" را در پیش گرفت. "امپریالیسم امریکاییلا فاصله بعد از قیام دولت جدید ایران را برسمیت میشناسد و سرعت و قاطعیت میکنند تا کاری نکند که موجب تضعیف دولت بازگان گردد. ... و باز هم در این رابطه میگویند "دولت امریکا میکند کابینه بازگان را باری دهد تا مهار امور را ... از نو بحای خود برگرداند" (کار ۷۲) و در این ارتباط نتیجه میگیرند "مبارزه با اختیارها و دستان و همکاری قدیم بازگانها و مدنیها که سنگنویان طغنه سرمایه دار ایران هستند عمده است، مبارزه علیه نیروهای عمده است که از سرمایه داری وابسته دفاع میکنند و طرفداران آن هستند" ("نگار" ۴۳)

دو اندک علیرغم تمام این نوسانات و زنگارها، چریکهای فدائی یک سیر نزولی بسط اپورتونیسم راست و نزدیکی با رویزیونیسم را پیموده و امروز در مورد مسئله اساسی غر اختلاط یعنی "موضوع قدرت حاکمه" (نشین) از یک منی اپورتونیستی راست پیروی میکنند و در حوال آن حتم بقدرت امپریالیستی سوسیال امپریالیسم روس روخته اند. ما علی دو یا سه مقاله خطوط اساسی مشی چریکها را مورد انتقاد قرار خواهیم داد. این بحث را در مسئله انتخابات شروع میکنیم.

برای ورود باین بحث باید لازم میدانیم بطور مختصر بر اوضاع سیاسی هیأت حاکمه در آستانه انتخابات مرور کرده و سپس اصول و مبانی عقیدتی کونیستی در رابطه با مسئله انتخابات را به طور کلی توضیح داده و در پرتو آن مقاله نشریه "نگار" را مورد بررسی مفاد قرار دهیم. در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی ین بار دیگر ماهیت ضد دگرگانی و ارتجاعی قدرت سیاسی حاکمه معرض نمایش گذاشته شد. هیأت حاکمه در ارتباط با انتخابات تاکتیک مزبانه و سالیسیانه دوگانهای اتخاذ کرد. از یکسو نتوانست بطور آشکار و رسمی از کاندید شدن کونیستها و نیروهای انقلابی صامت کند (البته در برخی از شهرها این کار را هم کرد) و از سوی دیگر با طرح ارتجاعی و مرحلهای کردن انتخابات، تبلیغات سوء و دروغین و افعال فشار و کسب دست های اوباش و بالاخره تعلقات بشیرمانه از راه باشتن کاندیداها ای انقلابی به مجلس حد اکثر جلوگیری نمود. اگر هیأت حاکمه نتوانست بطور رسمی و قانونی "حوال کاندید شدن کونیستها و نیروهای انقلابی غیر پرولتری را بگیرد، نه بدین خاطر است که برای انقلابیون و کونیستها حق قائل است. خیر، علت این امر آن بود که هیأت حاکمه قدرت آن را ندانست و بدین حسین اقدامی سه تنها برای توده ها قابل بدیتر نبود. بلکه مستقماً آنها را به صف آرائی در مقابل دولت میکشید. هیأت حاکمه که بنا بر ماهیتش از باسختی به اشتدائی ترس خواسته های اساسی مردم عا حرامانه و سب زده در مقابل خویش رشند حشش اعتراضی بخشهای زیادی از مردم را بخاره میکند. در عده بود که همد توده مردم را متوجه انتخابات نموده و از شک کردن مبارزات مردم متوجه حشو گیری کند.

انتخابات با...

و شما آلوده بخوابید که کمترین آزادی هزین برایتان
لالائی خواهد خواند ، نظم و انضباط برای سرمایه
های شروع ، که در دستان خودتان ، در دست
که در خون و رک و بی تان جاری است وعده ای
خدا نشناس و کافر و بظواهر سلمان قدر رسون
آنها از شما دارند بوسیله ارتش ، پاسداران و دیگر
قوای قهریه سرمایه در مجلس ملی اسلامی خودتان
قانونیت خواهد یافت ، ما بدست شما کز ها ،
بازگشایا ، مدنی ها ، بهشتی ها و ... که همگی
طرفدار امپریالیسم آمریکا هستند رابه اوج قدرت
خواهیم رسانید ، دیگر چه میخواهند از جان مسا
این ضد انقلابیون کافر و زندیق ؟ !
چه میشود کرد صحرائی بزرگ است و انسانهای
که صبره های امپریالیسم آمریکا رک خواب آنها را
خوب بدست آورده اند ، مذہب ، بنام مذہب
باید تا آنجا که میتوان سوار بر آنها شد و با نااخته ای
رخسار و سوری مافع خود که پیوند ناگسستنی با
سرمایه های انحصاری جهانی دارد ، پیش نوازند ،
با نژاد و سیم داران فریاد برمی آورد ،
پیش رفته ، باد تاخت و تاز ما در صحنه ، نبرد مجلس
نورای ملی !
فریادی از جمعیت جمع شده در صحرای صحرای
ای آقایان مدعی آزادی ، شما بنام آزادی و بنام
توده های محروم از آگاهی و حقوق اجتماعی حنایت
می کنید ، خیانت می کنید ،
ولوله ای در میان جمعیت در می گیرید ،
سخنهای شنب پند که کوک اخفا جهره ، ظاهر فریبی
دارد ، با نیت برسد اراد که :

نگفتم ما به امت احتیاج داریم تا حساب این ضد
انقلابیون را بر سریم ؟ حتی شما بدید که هم اکنون
در بین خودتان صد انقلابی هم هست ، سر
وظیفه ترویج شماست که بگوید او را و به دار آویز
ونی فریاد برخاسته از میان جمعیت رسانند
این است سرنوبت آزادی خلقی که بخواهست و
تعلیم بی عدالتی های سرمایه به برافراشتن و آتوق
قدرتشان حد بدانشک سرمایه بر سر او همان آورد
که او به علیه این برخاسته بود .

ترازوی انتخابات محض شورای ملی و تقیبات
نگار برده شده در آن بار دیگر این اصل اساسی
مارکسیسم را به ثبوت رساند که تا زمانیکه قدرت
سیاسی بدست کارگران و زحمتکشان نیفتد ، هیچ
گاه دیکراسی معنی واقعی آن معنی دیکراسی
برای اکثریت زحمتکشان و رنجبران جامعه و
دیکتاتوری برای مقلی انگل سرمایه داره فراهم
نخواهد شد ، قدرتمندان حدید که در دستورای
"انقلاب" ، بنیاد "مستضعفین" ، بنیاد مسکن
و دیگر نهاد های اداری و اجرایی جایش کرده
و در رکب هیأت حاکمه و باد ولت را می سازند ، می
بایستی که ضیق مظفان تمام مراکز قدرت از جمیع
مجلس شورای ملی را در اختیار داشته باشند تا
توانند بوسیله آن قدرت سیاسی خود و در پناه
آن قدرت اقتصادی خود را مستحکم گردانند .
بنابراین واضح است که اگر کوچکترین احساسی به
اود دست دهد که در دست بوسیله نیروهای انقلابی
و دیکرات و کمونیست به خطر افتاده است بانام
قوا به دیاس و تقیبات دست خواهد زد و حتی

در این بین دوست و آشنایان نمی شناسد .
راستند از درون حبسه سرمایه داران ترویج می
کیم :

حزب جمهوری اسلامی که ارتشکشت و انتخابات
ریاست جمهوری تحریر انداخته بود ، این بار
کمیته از پایگاه وزارت کشور بخواس به نفع
خود بهره برد . تمام استادان و فرماندهان
بخشداریها را به طریق تحت اختیار خود در می
آورد . افرادی را که کاملاً با طبع نبودند را
از کار برکنار نموده و انصار طایف دیل را بر سر
کاری می گذارد . مثالهای زیادی در این مورد می
توان یافت . از آن حمله اند بر کارهای فرماندهان
فرمانده اراضی ، فرماندهان ارادک ، بخشداری
و بهار و غیره . وقتی این اهرمهای نفوذ
به حرکت در آمدند ، به سرعت ترکیب هیأت اجرائی
نظارت بر انتخابات میرسد . در بسیاری از جاها
از حمله زحمان چون حس مید که هیأت نظارت
از گروههای انقلابی چون معاهدین هستند ،
به فوریت از سوی جامعه روحانیت اعلامیه ای
انتشار می یابد که هدف تحریم انتخابات را دارند .
در اراد که به دلیل آنکه سه نفر از هیأت نظارت
افراد شرقی بودند در عرض شش ساعت هم اعضا
هیأت و هم فرماندهان از کار برکنار میشوند . در
همدان ، رشت ، اهواز و همه جای ایران چنین
نقل و انتقالاتی به چشم می خورد . خوب مشخص
است زمانیکه هیأت نظارت در اختیار حزب سرمایه
داری جمهوری اسلامی قرار گیرد ، آنها میتوانند
افراد مورد اعتماد خود را بعنوان اعضا شعبه های
رأی انتخاب نمایند . باز هم در این امر صاف
دیکری نگار برده میشود تا اگر کسی تا حال شاط
تصفیه نشده است برکنار شود . مثلاً در شعبه ۴۶
آمل شخصی بنام مختار محمد تبار بعنوان رئیس
صدوق انتخاب میشود اما بعضی اینکه معلوم شده
که او از طرفداران معاهدین خلق است در روز
رأی گیری برکنار میشود . در روزهای گیری خصوصی
در مازق کارگرفتن و وسایط که در دست ما بود
بسیار کم است و آنها محرومید که تعرفه های خود را
بدست گمان دیگری بد صد که برایشان نویسنده
اما آن اساسی حواسته شده از طرف فرد مزدور
نوشته نشده بلکه اسمی افراد از لیست با اصطلاح
اتلاف بزرگ که همگی با از انحصار حزب جمهوری
اسلامی و باز دیکان به آنهاست ، نوشته میگردد .
در بعضی از حوزه ها که تعدادشان کم نیست
تعرفه های رأی حواسته شده و اگر اسمی افراد
شرقی و کمونیست در درونشان بود ، با آنها را پاره
کرده و با درون صدوقی در کار که معلوم بود
حد از این برده خواهند شد ، انداخته میشد .
در بعضی از حوزه ها از احساسات مذهبی مردم
سوء استفاده کرده و میگویند در این حوزه سه
صدوق رأی وجود دارد ، یکی مربوط بمصلحتانها
یکی مربوط بمنافقین (مضور معاهدین خلق)
و یکی هم مربوط به کمونیستها و خدا نشناسان
است . در بعضی از حوزه های رأی گیری از حمله
میدان فردوسی و دانشگاه که بیشتر از اسلام
کمونیستها و افراد شرقی ربحه شده بود ، بایک
صحنه سازی صدوقهای رأی سرقت برده شده و
بانه آتش کشید ، میگویند . نه شده است که
افراد را که به کمونیستها و نیروهای شرقی رأی داد
اندرا بدست ضرورت و در صورت اعتراض آنها را سه
گفته های ضد انقلابی بردند . در بسیاری از حوزه

ها که نیروهای شرقی توانسته بودند کارت نظارت
را با هزاران درد سر فراهم کنند تا در حوزه ها ناظر
باشند ، به دلیل اعتراضات به تقیبات آنها را
ضرورت و از حوزه های برین نموده اند . در اینجا
باید یاد آور شد که از طرف وزارت کشور کارتهایی
بنام افرادی صادر شده بود که آنها بوسیله آن
توانند برای افراد بیسواد تعرفه ها را پر کنند . اما
بیشترین تقیبات از سوی همین افراد صورت گرفت .
در روستاهای ایران با سوء استفاده از احساسات
مذهبی روستائیان آخوند ها به آنها می گفتند که
کمونیستها و کافر ها میخواهند به مجلس بروند و اگر
موفق شوند دیگر ناموستان اشتراکی خواهند شد ،
دیگر فرزندان مال خودتان نخواهد بود ، دیگر
زمینها از آن شما نخواهد بود و مذهبتان بر سراد
خواهد رفت و ... برای اینکه چنین نشود به
کاندیداهای مورد نظر ماری بدید و خلاصه
تا این چنین تبلیغاتی برای افراد حزب جمهوری
اسلامی رأی جمع میکردند . در کردستان حق
رأی را در آن حوزه هایی که میدانشند بیشترین
رأی را کمونیستها و نیروهای شرقی خواهند آورد ،
سلب نمودند . در ترکمن صحرا هم کاندیداهارا
بیشتر مانده ترور کردند . در تهران در حوزه ۱۹
(حسن آباد رنگه پلاک ۱۲) ناظر آرا را نگاه
کرده و به یک نفر که به معاهدین و برخی دیگر از
کاندیداهای شرقی رأی داده بود گفت چرا سه
کمونیست را می میدی ؟ در حوزه ۱۶۲۷ (مسجد
فخرالحاجه خیابان کارگر) اگر چنانچه به اسمی
لیست اتلاف بزرگ رأی داده میشد ، رأی بدین
میشد و در غیر این صورت باره می گردید . در حوزه

۱۶۶ (مسجد هندی خیابان هندی) هندی
که از معتدیان محل بود همراه با فرزندان خود
مرتضی فریاد میزد که اسلامپا حلو بیایند . در حوزه
میدان انقلاب بر روی یکی از صدوقها کارت اتلاف
بزرگ را گذاشته و میگویند این صدوق مال سلمان
ها است و صدوقهای دیگر مال منافقین که امام
آنها را در کرده است . در حوزه ۱۵۹۶ (مسجد
شارخی خیابان حنیف نژاد) پاسداران یک نفر
را که خیال داشت به معاهدین خلق رأی بدهد
با گیدن گنگدن و زشت تلیک تهدید به مرگ
میکند . در مسجد خرقانپا واقع در خیابان آریانا
مالک اشتر مسئول این حوزه مرتضی پشت بلندگو
به کمونیستها لعنت می فرستاد و یک نفر را که بر مرکب
رأی داده بود با تار فحش دستگیر می کنند . این
ها نمونه های بسیار زیادی در اکثر شهرهای ایران
اتفاق افتاد و نشان داد که سرمایه دار ها بایستی
قانون تنازع بقا خود را (برای آنکه خورده ندوی
بخور) در عمل و در صحنه سیاست و اقتصاد
پیاده نمایند .

تقیبات در انتخابات آجنان زیاد بوده است که
بنی صدر برای حفظ ظاهر هم که شده میگوید
"بر اساس شکیات رسیده اگر بنیم تقیبات زیاد و
حدی است (مرتقیات غیر حدی هم داریم ؟
- پیکار خلق -) البته انتخابات باطل خواهد
شد " (انقلاب اسلامی ۲۷ اسفند ۵۸) در پشت
چنین کلماتی وحشت بنی صدر از رسوائی و زشت
دادن قدرتش نهفته است . بنی صدر که ادعای
که اگر تقیبات زیاد باشد آرا باطل خواهد کرد به
این معنی نیست که وی با تقیبات مخالف است . وی
منتظر است که سیند آیا حبه خودش در مجلس
اکثریت را دارا خواهد بود و تقویت خواهد شد یا نه ؟
وی به بارمایل است که برای حفظ سرمایه داری

جه کسانی...

وی کسی است که در فرار عطا پور جلا معروف جاود
نیز دست داشته است . عطاپور که با طلا کوب
فامیل میبایند ، مدتی در منزل همین آقای مهندس
در دزاشیب شمیران پنهان بوده و سرانجام هم
بوسیله وی وسائل فرارش میبایگردد .
لازم به تذکر است که مهندس طلا کوب این فرار
دهنده جلا داری و ساواکیها ، خود یکی از سهام
داران عمده شرکت "نوجان" میباشد و تمامی
ثروت خود را از راه استثمار کارگران و بند و بست با
رژیم فاشیستی شاه بدست آورده است . وی اینک
قسمت اعظم اموال شرکت را فروخته و بقیه را هم در
حال فروختن است و تاکنون بطرق غیر قانونی اکثر
پولها را به ارز تبدیل و به خارج فرستاده است .
او تاکنون بایند و بست با اداره کار شهر کرد و غیره
توانسته کارگران شرکت را (که عمدتاً کارگران شلمز)
در شهر کرد و سامان توان هستند) با مخارج نا
حیز از شرکت اخراج کرده و حق آنان را با خیال
نماید . ناگفته نباید که کارگران اخراجی حتی از
همان حداقل حقوق و مزایا و حق اخراج که در
قانون ارتجاعی کار سابق تعیین شده ، به همت
کمیته جیان و پاسداران ، روحانیون مرتجع و عوامل
رژیم گونی همدست با مهندس طلا کوب ، محروم
هستند . بله می بینیم که پناه دهنده گان جلا داری
خلق خود چگونه در پناه جمهوری اسلامی با خیال
آسوده به استثمار کارگران میهنمان مشغول هستند

در پخش

پیکار خلق

مارا یاری رسانید

واسته اشخاصی به مجلس راه یابند که نتوانند
قوانین سرمایه داری را از مجلس بگردانند و در وقت
اختلاف "وی با احتیاج دیگر سرمایه داری یعنی
حزب جمهوری اسلامی نه بر سر نشیوه عسکر آسان
و یاه سخن دیگر بر سر تقیبات کردن آنهاست بلکه
فقط به فقط ناشی از سهم شدن بیشتر در قدرت
می باشد . بالاخره سرمایه باید بپرد و سود آن
باید به جیب سرمایه داران ریخته شود . عدالت
برابری ، انسانیت و آزادی در قاموس مدافعان
سرمایه داری از جمله بنی صدر تا آنجا "محترم"
است که آنها بر خرماد سوار باشند و چنین است
که بنی صدر اینگونه دیپلمات وار در سخن میزد
* * * * *
جمعیت موح میزند .
سخنهای پشت بلندگو همچنان عواطف بیانه حنجره
می درد : ضد انقلابیون رابه دار آویزید ، آنها
کافرند و خونشان حلال !
اما ، فریاد برخاسته از جمعیت دیگر فقط یک فریاد
نیست . همه ای در گرفته است . صداها در هم
می پیچد ، قدرت می یابد ، یکی میشود :
زحمتکشان و مدافعان ضد انقلاب نیستند .
آری اینست گنجه ای از جامعه تقسیم شده به
طبقات مستقر و مستغنی .

برای مقاومت در مقابل تجاوز امپریالیسم مسلح شویم !

انتخابات و...

برخورد را باشند، چرا که کاندیدی که فاقد پایگاه توده‌ای است، شرکت در انتخابات که یک مبارزه و عمل توده‌ای است هیچ تأثیر مشخصی در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دگرگانی خلق بجای نخواهد گذاشت و در تنظیم روابط بین نیروهای توده‌ای (تأکید از ما) و سمت‌وسوی آنان در جهات معین و در رابطه با اهداف مرحله‌ای و استراتژیک نمیتواند موثر افتد!

("کار" شماره ۵ ص ۷)

از نقل قول فوق چند مطلب مهم مستفاد میگردد. نخست اینکه حمایت از سایر کاندیدها به سبب "تأثیر آنها در وضعیت تعادل نیروها" منجید نمیشود. خواننده حتماً سؤال خواهد کرد تعادل بین کدام نیروها؟ جریکها به این سؤال در چند سطر پائین تردید جواب مینماید. داده اند ولی در همین حال هر دو بر یک اصول عقیدتی (ایدئولوژیک) متکی است. (۱) "... در تعادل نیروها در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دگرگانی..." (۲) "... آیا اساساً حمایت از این یا آن کاندید میتواند تأثیری در رسیدن به اهداف خود بجای گذارد یا خیر؟"

از نقل قول اول چنین مستفاد میشود که منظور، تعادل نیروهای صف خلق میباشد. ما در بخش پیشین منظور کمونیستها از شرکت در انتخابات را بر شمریم. گفتیم که قصد کمونیستها شرکت در انتخابات پارلمان قبل از هر چیز افشا، سالوسپها و بغلکاریهای بورژوازی ارتجاعی میباشد و برای هرچه گسترده تر و وسیعتر کردن این افشاگری میبایست صفوف تمام نیروهای ضد امپریالیست و دگرگانی را در مقابل ارتجاع متحد نمود. بنابر این مسئله در اینجا تنها بر سر تعادل و توازن بین نیروها نیست، بلکه درست برعکس مسئله بر سر متحد کردن آنها در یک صف میباشد. مگر شرکت در مبارزه انتخاباتی برای کمونیستها به مفهوم رقابت با سایر کاندیدهای انقلابی جهت کسب کرسیهای بیشتر در مجلس میباشد؟ مگر کمونیستها بدنبال تقسیم کرسیهای مجلس بین خود و سایر نیروهای مرفی هستند که فدائیان معیار "تعادل نیروها در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دگرگانی" را مطرح میسازند؟ "تعادل در اینجا هیچ مفهوم دیگری غیر از تعادل کرسیهای مجلس و یا تعادل میزان رأی ندارد.

از نقل قول دوم چنین مستفاد میشود که معیار حمایت، گذاشتن "تأثیر در رسیدن به اهداف خود" میباشد. ما متوجه آنه سؤال میکنیم منظور فدائیان از "اهداف خود" چیست؟ باکمی دقت معلوم میگردد که منظور فدائیان از "رسیدن به اهداف خود"، امکان انتخاب شدن، میباشد یعنی فدائیان زمانی حمایت از کاندیدهای کمونیست برایشان مطرح میشود که این حمایت بتواند به هدف "انتخاب شدن" برسد.

همانطور که در قسمت اول مقاله توضیح دادیم بر طبق اصول عقیدتی مارکسیسم لنینیسم هدف ما از شرکت در مبارزه انتخاباتی افشا، دولت بورژوازی ارتجاعی و تفهیم ضرورت سرنگونی آن برای توده های رأی دهنده میباشد. اما از نظر فدائیان هدف در اینجا اشغال کرسیهای پارلمان میباشد. فقط رفرمیستها و پارلمنتاریستها هستند که پارلمان را وسیله رسیدن به هدف یعنی کسب قدرت سیاسی میدانند. اما فدائیان در مقاله "عریضو طویل خود هیچ جا معیار حمایت و یا عدم حمایت از کاندیدهای نیروهای کمونیستی" را بر اساس مواضع سیاسی آنهاست بقدرت سیاسی حاکمه، نسبت به مبارزه ضد امپریالیستی - دگرگانی و غیره قرار نداده اند. آنچه که برای فدائیان در حمایت از این یا آن کاندید مطرح نیست هماناً گسترش دانه افشا، بورژوازی و دستگاههای دولتی میباشد. فدائیان در مقاله "عریضو طویلشان اصولاً ضرورت افشا، دستگاه دولتی را به پیش کشیده اند. انجام هر که معیار حمایت را بر سر مسائل سیاسی کشیده اند، مطلب مربوط به برخورد به قدرت سیاسی حاکم و متحد نمودن صف انقلاب نبوده، بلکه معیار آنها جلگه برخورد به سوسیال امپریالیسم روس میگردد که ما در بخشهای بعدی آن را مورد مدافه قرار خواهیم داد.

دوم اینکه معیار برای حمایت یا عدم حمایت از کاندیدهای نیروهای کمونیستی از نظر فدائیان داشتن پایه توده‌ای میباشد. آنها در همان نقل قول بالا میگویند "کاندیدی که فاقد پایگاه توده‌ای است، شرکت در انتخابات... هیچ تأثیر مشخصی در سطح جنبش ضد امپریالیستی - دگرگانی خلق بجای نخواهد گذاشت" قرار دادن معیار "پایگاه توده‌ای" برای حمایت از کاندیدهای کمونیست در مبارزه انتخاباتی هیچ مفهومی غیر از ارجح نمودن میزان رأی آنها ندارد و میزان رأی تنها برای کسانی معیار میشود که هدف خود را از شرکت در مبارزه انتخاباتی بدست آوردن هرچه بیشتر کرسی پارلمان قرار داده اند. این است "معیارها و اصول معینی که دیدگاه ایدئولوژیک" ("کار") فدائیان را روشن میسازد. مقاله "نشریه" "کار" چنین ادامه میدهد.

"در این میان کاندیدهای حریانیهای مختلف مدعی مارکسیسم از قبیل خط ۳ و غیره (ذکر کنند "غیره" تنها میتواند به حزب توده برسد - پ.خ.) هیچ یک دارای پایگاه توده‌ای معین نیستند که بر مبنای آن بتوان مسئله ضرورت حمایت از کاندیدهای آنها را برای دست یافتن به دو هدف فوق مورد ارزیابی قرار داد. حمایت از آنها عملاً در سطح جنبش توده‌ای و بویژه در جریان مبارزه انتخاباتی جاری و تعادل نیروها، هیچگونه تأثیر عملی و مشخصی بر جای نخواهد

گذاشت" (تأکید از ما است)

یک بار دیگر نقل قول فوق را مرور نمائید! چه چیز دستگیرتان میشود؟ لب‌کلام و فقای فدائی را چنین میتوان خلاصه نمود: کاندیدهای کمونیست دارای پایگاه توده‌ای در رابطه با مسئله انتخابات یعنی میزان رأی قابل توجه نیستند، لذا با آنکه بدان نمیتوان به دو هدف فوق یعنی همان مسئله تعادل نیروها و اهداف مرحله‌ای و استراتژیک دست یافتن بالاخره حمایت از آنها " جریان مبارزه" انتخاباتی "و" تعادل نیروها هیچگونه تأثیر عملی و مشخصی بر جای نخواهد گذاشت". لذا نیاید از آنها پشتیبانی نمود. خواننده نیز بین بحق میتوانست سؤال کند که میزان رأی این یا آن کاندیدای کمونیست در رابطه با مسئله انتخابات چه ارتباطی با مسئله اهداف مرحله‌ای و استراتژیک انقلاب دارد. چرا مسئله میزان رأی و باصطلاح "تعادل نیروها" بعنوان معیار تعیین کننده برای حمایت از کاندیدهای کمونیست قرار میگیرد و سیاست و متی آنها که بین دید آنها در رابطه با اشکال غالبتر مبارزه طبقاتی یعنی اغتصاب، قیام و جنگ توده‌ای و غیره میبایست تحت الشعاع آن قرار گرفته است. جواب تمام این سوالات در قسمت آخر همین نقل قول داده شده است. زیرا که فدائیان مسئله حمایت از کاندیدهای کمونیست را با معیار "تأثیر عملی و مشخص" خود انتخابات یعنی امکان انتخاب شدن یا نشدن در نظر میگیرند. مارکسیسم با میاموزد که مسئله اصلی در رابطه با مبارزه پارلمانی و انتخاباتی همانا افشا، هیأت حاکمه و عوامفریبیها و سالوسپهای وی میباشد. یعنی پارلمان از نقطه نظر لنینیسم میتواند بعنوان ابزاری رفی در جهت تبلیغ و ترویج باشد. لنین کبیر گفت: "در این مورد باید درسهای دومی کادت یعنی درسهای "که میگوید فعالیت برای انتخابات دوماً تکیله تابع و رفی مبارزه بوده و شکل اصلی، بحکم شرائط عینی زمان همچنان جنبش مستقیم انقلابی توده های وسیع مردم باقی میماند - بدون شک برای ما حتی میباشد. (لنین، درباره تحریم)

لنین بصراحت میگوید مسئله اصلی همانا جنبش مستقیم انقلابی توده های وسیع مردم است که نه از طریق پارلمان و انتخابات، بلکه خارج از آن و علیه پارلمان قانون گذاری بورژوازی ارتجاعی انجام میگیرد. و این درست خلاف نظر فدائیان است که از یک سو مبارزه انتخاباتی را در رابطه با نتایج مشخص و مستقیم خود انتخابات در نظر گرفته و از سوی دیگر میگویند پارلمان و انتخابات یک مبارزه و عمل توده‌ای است. "خیر، مبارزه انتخاباتی مبارزه و عمل توده ها نیست بلکه مبارزه است جهت آگاه کردن توده ها که عرصه اصلی مبارزه آنها خارج از پارلمان میباشد. تنها پارلمنتاریستها و رفرمیستها که پارلمان را عرصه مبارزه جهت کسب قدرت میدانند، چنین لافاقل و مبهلتی را موعظه میکنند و فدائیان متأسفانه درست در مقام آنها قرار گرفته اند. "نشریه" "کار" در همان نقل قول فوق الذکر میگوید کاندیدهای کمونیست چون پایه توده‌ای ندارند و در نتیجه میزان رأی قابل ملاحظه‌ای بدست نمیآورند، لذا در جریان مبارزه انتخاباتی جاری... هیچ گونه تأثیر عملی و مشخصی بر جای نخواهد گذاشت "منظور از تأثیر عملی و مشخص چیز دیگری نمیتواند باشد غیر از امکان انتخاب شدن. پس از نظر فدائیان معیار حمایت آن است که آیا فلان کاندیدای کمونیست چقدر امکان انتخاب شدن دارد و این موضع خود را در لافاف "پایه توده‌ای" میپوشانند. اما این موضع بروشنی بیانگر آنست که برخورد "سازمان هریکهای فدائیس خلق ایران" مسئله انتخابات همانا از موضع نفس خود پارلمان یعنی بدست آوردن کرسی در مجلس است و نه استفاده از آن بخاطر افشا، هیأت حاکمه. این چنین موضعی دقیقاً یک موضع رفرمیستی و پارلمنتاریستی میباشد که فدائیان در سرانشب آن قرار گرفته اند. فدائیان به مواج رفرمیستی و خرده بورژوازی خود کاملاً وفا دارند. آنها نمیخواهند و نمیتوانند در مورد انتخابات بشکل مبارزه توده ها و گریزات و روحیات آنها بسوی اشکال و عرصه های اصلی مبارزه انقلابی ککی موثر بنمایند. چرا حریکهای فدائی افشا، همه جانبه، دولت بورژوازی، بالابردن آگاهی توده ها نسبت به ماهیت ارتجاعی این دولت را در صدر تبلیغات انتخاباتی خود قرار نداده و حمایت از سایر کاندیدهای انقلابی را بر این پایه در نظر نگرفته و بجای آن معیار رفرمیستی "میزان رأی" را قرار داده است. زیرا منافع خرده بورژوازی دگرگات ایجاد نمیکند که این دستگاه حکومتی سرنگون شود. آنها میخواهند این دستگاه حکومتی فقط تضعیف گردد و خرده بورژوازی دگرگات نیز چندین وزیر و کبیر در آن داشته باشد. درست بدین خاطر است که معیار تمام نیروها و پایه توده‌ای برای فدائیان تقش تعیین کننده پیدا میکند. آنچه برای فدائیان تعیین کننده است و معیار حمایت قرار میگیرد، آنست که این حمایت چقدر میتواند در راه یافتن آنها بدست آوردن هرچه بیشتر کرسی پارلمان قرار داده اند. این است "معیارها و اصول معینی که فرموله کرده و مینویسد:

"نابراین پشتیبانی از این نیروها نمیتواند از لحاظ تأثیر گذاری روی انتخابات و نتایج آن مطرح باشد" "شرکت کاندیدهای حریانی که پایگاهی در میان توده ها ندارند در توازن نیروها و در واقعیت مبارزه طبقاتی و سیر مبارزه پارلمانی تأثیر معین و مشخصی بجای نمیکند. مبارزه واقعی میان کاندیدهای حریانی خواهد یافت که در نهایت توده مردم آگاهانه یا نا آگاهانه به آنان رأی دهند."

این حملات بخوبی تفکر، ایدئولوژی و درک رفرمیستی فدائیان را از مبارزه طبقاتی نشان میدهد آنها میگویند ما از کاندیدهای کمونیست پشتیبانی نمیکنیم، زیرا تأثیری روی جریان انتخابات و نتیجه آن نخواهد داشت.

اصول کمون جاودانه است

جشن افکار آملی ۱۸ مارس شفق صبحگاهی
انقلاب اجتماعی می باشد که بشریت را برای
همیشه از جامعه طبقاتی آزاد خواهد ساخت
"مارکس"

مارکس در نظام دولت کارگری پاریس گفت: "اگر کون نبود بود، مبارزه فقط به تعویق می افتد. اصول کون جاودان و نابود نشدنی اند، دوباره و دوباره عرضه خواهند شد تا وقتی طبقه کارگر آزاد شود."

از آن زمان تاکنون طبقه کارگر جهانی در عرصه صدها، بل هزاران نبرد همگین طبقاتی علیه طبقه سرمایه داران، از بیرونیها و شکنجهای خودتاریخ بسیاری انداخته است. در این مبارزات نه تنها آموزشها و دستهای کون پاریس تأیید شده، بلکه برخی از آن بسیار افزوده شده است. کمونیستهای ایران با احساسات عمیق انترناسیونالیستی پرولتری، هدفشان طبقه کارگر جهانی و خلقهای انقلابی سراسر جهان خاطره این روز گریز پرولتاریائی را گرامی میدارند.

۱۰۱ سال پیش طبقه کارگر مردم زحمتکش فرانسه دست به اسلحه بردند و قهرمانانه در پاریس قیام کردند. آنها که مبارزات حق طلبانه، اعتراضات و اعتراضاتشان همواره به وسیله ارتش و پلیس طبقات دارا و ثروتمند درهم شکسته میشد و هزاران نفر از آنها شهید یا در قتل و زخمی می افتادند، در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ مصمم شدند تا اسلحه هارا خود در دست گیرند و اسلحه بدست علیه سرمایه داران بکنند. آنها خنجر کردند و پیروز شدند. این اقدام شجاعانه کارگران پاریس، اولین تلاش تاریخی برای سرنگونی قهری سرمایه داری و برقراری دیکتاتور پرولتاریا بود و مارکس آنرا "شفق صبحگاهی انقلاب کیهانگشایی" نامید که بشریت را برای همیشه از جامعه طبقاتی آزاد خواهد ساخت."

اهمیت کون پاریس در آن است که این نخستین قدرت سیاسی پرولتاریا در تاریخ می باشد. مشعل انقلابی ای که در کون پاریس برافروخته شد، امروزه در سراسر جهان شعله می کشد و روز نابودی امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و گیت مرتجعین دیگر را نوید میدهد. مارکس و انگلس در همین سالگرد گفتند: "کون که به نظر قدرتهای جهان کهنه و بطور کامل محو می نمود، هنوز زنده و میاند و از هر زمان دیگر نیرومندتر گردیده است. کون زنده است زیرا آموزشها و اصول آن زنده و جاودانه می باشد. اصول جاودانه کمون کدامند؟

۱- کون در یک نبرد حماسه آفرین بین انقلاب مسلح و ضد انقلاب مسلح وجود دارد. عموماً کون تنها ۷۲ روز، اما ۷۲ روز قیام مسلحانه، ۷۲ روز قیام مسلحانه بود. ۷۲ روزی که عملی کون به هزاران هزار نوشته و نطق و خطابه و قطعنامه ثابت نمود که انقلاب احتمالی تنها با تکیه به پرولتاریا و خلق مسلح می تواند به پیروزی برسد و با تکیه بر نیروی مسلح است که می تواند قدرت را در دست خود حفظ کند. کون ثابت کرد که سرنگونی انقلاب از جمله سستی بدان دارد که آیا طبقه زحمتکش اسلحه دارد یا نه؟ مرتجعین سرمایه دار در دست بدین خاطر بیش از همه به وحشت افتادند که طبقه کارگر پاریس تفنگ بدست گرفته بود. انگلس گفت: "اگر کون با این در مقابل پرولتاریا به آتوریت" (اقتدار) مردم مسلح تکیه نمی نمود مگر می توانست روز تحولاتی که "دوباره" (آتوریت) اقتضای بزرگ کونار هادست در این بود که اندازه کافی از قدرت مردم مسلح استفاده ننمود و بلافاصله بسوی "ورسای" که ضد انقلاب و در آن روز "تیر" به آنجا فرار کرده بود، نمود و به "تیر" محال نفس داد و وی توانست با هدف متحرک "سماک" محدوده پاریس انقلابی قتل کشی کند.

کون بطور آشکارا نیز نشان داد که "قدرت سیاسی از لونه تفنگ سرور می آید". کمون ثابت نمود که قهر مسلحانه اصل عمومی انقلاب احتمالی می باشد. پرولتاریا و خلقهای تحت ستم فقط به وسیله تفنگ، بوسیله ارتش مسلح خلق می تواند قدرت سیاسی و بیرونی را در انقلاب راند است. آیزن. مارکس خاطرنشان می سازد: "نخستین فرمان کون عبارت بود از انحلال ارتش اداری و تعویض آن با مردم مسلح" (جنگ داخلی در فرانسه) اما برای آن لازم است در تحت رهبری حزب طبقه کارگر و مطابق با شرایط مشخص هر کشور بوده های وسیع خلق را زیر کف دست گرفته و بر این پایه نیروی مسلح بوده ای را بوجود آورد. مارکس تأکید می کند: "نخستین شرط دیکتاتوری پرولتاریا ارتش پرولتاریائی باشد. طبقه کارگر حق آزادی خود را باید در میدان نبرد بدست آورد". (سخنرانی بنامیت هفتمین سالگرد تشکیل انترناسیونال اول)

تاریخ نشان داد آنجا که احزاب کمونیست از مسلح کردن خلق و یانگه اری نیروهای مسلح سر باز زدند، انقلاب در حارتاهی و شکست گردید. جنگ خلق و ارتش بوده ای برهمنی حزب مارکسیستی - لنینیستی مؤثرترین سلاح انقلاب است. درست همین خاطر است که پرولتاریا و امپریالیسم بیش از هر چیز از توده مردمی که اسلحه در دست دارند می ترسد. بی جهت نیست که هیأت حاکمه حدیث ایران از همان فردای قیام دستور حمله مسلح را صادر کرد. بی جهت نیست که بنی صدر این مظهر حدیث قدرت مرتجعین سراسر جهان داد و فریاد عوام فریبانه را می اندازد. پس از شکست عراق انقلابی، پرولتاریای که زمان دولت را بدست گرفته تحت عملی که احاد می - در حدیث سلاح کارگران و زحمتکش است. تمام اسلحاهای مد همد که در مقابل ضد انقلاب مسلح باید که مسلح بود.

۲- مارکس و انگلس در جمعی از تحارب کون گفتند که: "طبقه کارگر می تواند بطور ساده و مانع دینی حاضران صرف نماید و آبروای بیشتر مدافع حورش بگاردارد". (حدیث داخلی در

فرانسه) آنها نشان دادند که طبقه کارگر برای نبرد به جامعه سوسیالیستی باید با تکیه به قهر مسلحانه مانع دولتی پرولتاریا را درهم شکسته و خود نمایند و دولت خویش را بر خرابه های دولت کهن سازد. مارکس و انگلس پس از تجربه پاریس این دولت جدید را دیکتاتوری پرولتاریا نامیدند. دولت دیکتاتوری پرولتاریا "می بایستی نه اینکه اجتماع پارلمانی، بلکه یک اجتماع کارگر، یعنی در عین حال هم قانونگذار و هم مقرر قانون باشد" (همانجا) یکی از اقدامات کون بعنوان دولت کارگری آن بود که بلافاصله حقوق تمام ناغلین کشوری تمام اعضا کون را به سطح دستمزدهای کارگر رسانید "برای تمام مشاغل اداری، قضائی و فرهنگی ملی کسانی را تعیین می نمود که از طریق انتخاب بات همگانی برگزیده شده بودند و وظائفی را معمول نمود که به موجب آن این مستخین در هر زمان بنا بر تصمیم انتخاب کنندگان بازخوانده می شدند". (انگلس) این اقدامات کون در حقیقت تحولی بود از دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری پرولتاریائی. لنین به مباحثات خاطرنشان نمود، آنکس که مبارزه طبقاتی را قبول دارد هنوز مارکسیست نیست. مارکسیست آن کسی است که مبارزه طبقاتی را تا دیکتاتوری پرولتاریا قبول داشته باشد. بنابراین در مطالعه اصول کون و سیر جنبش کمونیستی پس از آن ثابت می گردد که ثابت قدمی در مورد سرنگونی کون مانع دولتی پرولتاریا و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا بوسیله قهر مسلحانه و یا حفظ مانع دولتی پرولتاریا و استکفاف از دیکتاتوری پرولتاریا همواره طی بیش از یک قرن گذشته در مرکز مبارزه بین مارکسیسم انقلابی از یکسو و آنا رنیسم، رونیونیسم و انواع اپورتونیسم از سوی دیگر بوده است. رونیونیستها هم از رونیونیسم انترناسیونال دوم، رونیونیسم خروشنجی و رونیونیسم "سه جبهائی" دقیقاً کارخیزان به مارکسیسم راز مسئله، چگونگی برخورد به قدرت سیاسی و انحراف از دیکتاتوری پرولتاریا شروع کردند. رونیونیستهای انترناسیونال دوم کار را از تفکیک بین بارلمانتاریسم که چیزی جز آستانوسی دولت پرولتاریا و خود را از تربیت پرولتاریا با روحیه بگاردن قهر مسلحانه در جهت درهم شکستن مانع دولتی پرولتاریا شروع کردند و در همان حلقه جبهائی اول به حیره خولان امپریالیسم تبدیل شدند. مانند مرتد رونیونیستهای خروشنجی کار را از حلقه "بیشترمانه به رفیق استالین که مظهری سان دیکتاتوری پرولتاریا بود، شروع کرده و با طرح تز "دولت تمام خلقی" خط بطلان برانداخته، دیکتاتوری پرولتاریا کشیدند و سرنگونی آنها به دیکتاتوری سوسیال امپریالیستی ختم شد. رونیونیستهای "سه دنیائی" کار را از تفکیک مبارزه انقلابی خلقهای با صلاح "جهان سوم" و محیز کوئی رژیمهای ارتجاعی این کشورها آغاز کرده و با تفسیر "حزب کمونیست و دولت چین از عناصر پرولتری راه را برای بازار سرمایه داری جبهائی در چین باز کرده و سرانجام به متحدین امپریالیسم غرب تبدیل شدند. نتیجتاً اینکه دیکتاتوری پرولتاریا به دیکتاتوری پرولتاریا تبدیل شده.

می بینیم که در تمام این سیر تاریخی مسئله اصلی، مسئله خیانت به دیکتاتوری پرولتاریا می باشد. امروزه در جنبش جوان کمونیستی همین مانع در برخورد به دولت ضد خلقی حاکم دوشمنی، دوشمنی و دوشمنی در حاکم شکل گرفتن است. منی اول، منی معانات با قدرت سیاسی پرولتاریا ارتجاعی را در پیش گرفته و با توجیهات متذنی سعی دارد سیاستهای خود را با سیاستهای هیأت حاکمه وفق دهد و بقدر معروف اسلحه انتقاد را حاکمین انتقاد اسلحه نماید. این منی و این سیاست از تربیت توده ها با روحیه بگاردن قهر انقلابی جهت سرنگونی دولت پرولتاریا ارتجاعی دوری میجوید. این منی بدون آنکه قادر باشد اصول زنده و خلاق مارکسیسم را در زندگی مبارزه طبقاتی و مطابق با خود ویژگیهای جامعه کارگر، از تحریکات و اصول کون در برخورد به قدرت سیاسی استفاده کند، آبراه فرمولهای مرده و کتک تبدیل می گردد. منی دوم، مارکسیسم - لنینیسم و تحارب تاریخی پرولتاریا را می آموزد برای آنکه افراد در این خلاق مبارزه طبقاتی بگاردند.

۳- کون از آن جهت توانست پرولتاریا را بیروز نموده و سرش و شوق انقلابی میلوینداده متکی بود و به نیروی خلاقانه آنها میدان وسیعی برای رشد و شکوفائی داد. لنین خاطرنشان ساخت: "بدون عمل انقلابی میلوینداده آنها، بدون شکوفائی قهرمانی توده ها، بدون آمادگی و مهارت پرولتاریا به عرش اعلاشان همانطور که مارکس درباره کارگران پاریس در دوران کون بیان کرده سلطنت مستبدان استخوان از زمین برزد". (برنامه ارضی حزب سوسیال - دمکراتیک در انقلاب روسیه) کون نشان داد که هرگاه عملی جنبش انقلابی توده ها به هیأتی برای شناخت راه انقلاب و کشف تئوری انقلابی دارد و برای جمع بندی جنبش توده ها باید به درون آن رفت و از درون نقاط ضعف و قدرت آن بررسی کرد. پس از تأسیس کون پاریس، مارکس در تاریخ ۱۸۷۰ شرایط را برای قیام فراهم نمود و کارگران را از دست زدن به عطیات زودرس بر حذر میداد. اما زمانیکه قیام به کارگران تحمیل گردید و آنها نیز آبرائی برانداختند، مارکس به طایفه پرولتری خود راسه درون آن افتاد و با تمام نیرو بدین یاری رسانید زیرا که او معتقد بود: "یک تجربه تاریخی دارای اهمیت عظیم و گاهی بود که انقلاب پرولتاریا جبهائی به پیش میبرد است، گاهی عملی بود که از ضد هار برانداختن و استبداد اهمیت بیشتری داشت. تحریکات کون پاریس که تنها از طریق شرکت مستقیم در آن می توانست به دست آید برای تدوین و تکمیل تئوریهای مارکس سراسر اهمیت بود، زیرا که تجربه میلوینداده و رنجبرد که طی آن استعداد ها شکفته می شد.

کون نشان داد که انقلاب امر توده های میلوینی می باشد و هیچ دسته و گروه و حزبی نمی تواند بعد از ضعف

تمام سرمایه ها و صنایع وابسته به امپریالیسم باید بلا درنگ برفع زحمتکشان مصادره گردد!

چرا به کارگران امیر کبیر توجهی نمیشود؟

چرا به کارگران امیر کبیر توجهی نمیشود؟

کارگران محض انتشارات امیرکبیر، کمک به سوی ماشین دراز کرده و سبیل و خوارزی علی صاحبه اییان پنهانی کجاست. آیا میشود باور داشتند:

اکون در زندان اوین بر میسود. دیگر احام گرفته؟ محض ما صرفا یوکران و یوکران یو لطفای دست از دلیل ماهیت ضد کارگری و ضد یونطه علیه ما کارگران محض بر میدارند. امان تاکنون چندین اطلاعیه با امضا، شتکل ۷۷ نفر کارکن غیر محض چاپ و توضیح گردانید. مهندسان محتوای تمام اطلاعیهها کذب محض بوده و صرفا بحاطر عوامفریبی چاپ میشود. نوسندگان این اطلاعیهها با این عمل خود هرجه بضرر ماهیت بلند خود را فاش میازند. مثلا "در یکی از این اطلاعیهها کذابی عنوان میکنندکه کارگران محض بهمنگیر ناشران دیگر (رفای امیرکبیر) اقدام بهمن نمودند. زهی بهمنی!! بارها و بارها کارفرما بخاطر صاحب بودن حقوق حقه کارگران دست

مسود؟ لکن ما کارگران محض یکده است که سگوانهای مسودی به مقامات مسئول ارسال اندامیم (که مایان از مطبوعات درج نده) اما مایان بهمنگیر عکس- اطلاعیه ای مقامات را مایان شده دیدیم و مینوایم ای بی مایانها را نادیده بگیریم ما از تمام کارگران شریف و زحمتکش و ملت مبارز ایران محض که ما را در راسد به خواستهای بحقمان هرجه مایانها پاری دهند. و فریاد اغیرای ما را هرجه پرهینتر و پرهینتر اغیرای دهند. خواستهای ما کارگران محض امیرکبیر- محضی - خوارزی و اغیرای این شرح است:

- ۱- عدم اخراج کارگران
- ۲- جلوگیری از فروشندها
- ۳- پرداخت حقوق مایان نده
- ۴- احادی حقیقت از کلیه کارگران
- ۵- عساری فروشگاهها توسط نماینده دیصالح
- ۶- تغیر هزینه پر فروشگاه توسط کارفرما

نکنند؟ زهی خیال باطل! اینها ظاهر امپوهند
باعتضیل کردن مدارس و دوباره اسم نویسی
تفتیش سازین و شناسائی آنها ببردند و از ورود
مجدد آنها به مدارس جلوگیری کنند. چنین سیاستی
را در تهران هم دنبال می کنند. از جمله اینکه
در بیرستان شهید سالاری را از روز ۱۶ اسفند توقیف
کمیته و پاسداران منطقه تعطیل کرده و قرار است
برای بازگشتی مجدد در بیرستان از دانش آموزان
مجدد نام نویسی به عرض آید. مشابه چنین جریان
در مدارس "پیروز" (فاطمه امینی سابق) واقع در
دروازه غار و "شریعتی" (شاهدخت سابق) نیز
اتفاق افتاده که همان شرط اسم نویسی مجدد و
سیردن تعهد برای بازگشتی مدارس فوق اعلام
شده است. اینهمه نشان از گسترش بیورش ارتجاع
به افکار نوین و شرقی و تاریخ ساز است. مترجمین
می کنند با این سیاست متعانه از این

گوناگون گردیده ، عطف توجه کامل به اصول کمون و بکار بردن علمی آن را از اهمیت فراوان می -

آمرانادیده گرفته و یا خود را جانشین آن سازد. حزب پروتوری و گبه "انقلابیون" باید در ظروف آب کارآموده شوند و خود را در همان افکند، در ظروف آب عظیم و جهان سبز مبارزه، توده ها (ماتوسه دون) ین حزب پروتوری درست در همان بیخ و حمای لوفان عظیم حشش توده ای آبدیده شده و رشد و تکامل می یابد. تدوین و رشد برنامه و منی صحیح و آزمایش اصرای آن تسهیل بر این مبارزه طبقاتی توده های وسیع زحمتکشان امکان پذیر است.

۴- وجودیت حزب واقعی مارکسیستی - لنینیستی برای پیروزی انقلاب اجتماعی دارای اهمیت قاطع است. یکی از علل شکست کون آن بوده که در آن شرایط تاریخی هنوز مارکسیسم کمترین نفوذ را نداشت و هنوز خود را در یک حزب پرولتری انقلابی که تئوری سوسیالیسم علمی را جزاء راههای خود قرار داده و مانند متلور نگریده بود. و در جریان کون پاریس، بلانکسم و پروتو و نیم موضع سلط را نداشتند. همچنین بود که مارکس در جمعندی از کون یاد آورنده که: "طبقه کارگر در مبارزه" خود علیه قدرت متمدنه طبقات ثروتمند نهاد رهنمایی می تواند بعنوان یک طبقه فعالیت کند که یک حزب سیاسی خاص را مقابل گلبه احزاب کینه متشکله توسط طبقات ثروتمند قرار دارد تشکیل دهد". (خطنامه گکره) عمومی انجمن کارگران انترناسیونالیستی، منطقه در راه) صحت این حکم را همانند در تمام انقلابات بعدی ثابت گردیده است. لنین در پروسه پیمانیت انقلاب کبر روسیه، تئوری و راه ایجاد ساختمان و آبدیده شدن حزب پرولتری را تدوین نمود. یک حزب پرولتاریائی انقلابی که بر اساس تئوری مارکسیسم - لنینیسم بی ریزی شده و آید تئوژی میم - لام را جزاء راههای عم خود قرار داده و مانند سنت کار انقلابی انتقاد و انتقاد از خود را کبر کرد، مانند هار سلوینی زحمتکشان پیوپه فشرده برقرار نماید، شرط ضروری پیروزی هر انقلاب پرولتاریائی میباید. این جنبه هنرسی هم قبل از انقلاب جهت کسب قدرت سیاسی و هم بعد از پیروزی انقلاب جهت استحکام دیکتاتوری پرولتاریائی اهمیت درجه اول میباید.

درهای کون عالمی آلود که حزب بیرونی باید مارکسیم - لننیزم را بعنوان سلاح در مبارزه بکار برد. روی مارزه، طبقاتی درگه: زمین ها بویزه در فرموده اید ثخورت بافزاری کرده و آوارشاه حقیقه اصلی در نیست کرد و باحباب سنی بیرونی بی حباب سنی بیرونی غشه نایب. در روزگار کوسی که مارکسیم - لننیزم از همه سو مورد حمله اجراء اجروتنیم، رویوینیم، آتارنیم و سایر انکراشات بیرونی فرار گرفته و جنسین اصلی کمونیستی سخت در خدمت افشاند و آوار کیماء.

روز قلمی حدال است ،
 آخرین رزم ما ،
 انترناسیونال است
 نجات انسانها .
 تنها مانده ، جهانی ،
 اردوی بشمارگار ،
 داریم حقوق جهانیانی ،
 نه که خونخواران غدار ،
 غرد و قی بعد مرگ آور ،
 سر رهنمای و دزد خیانت ،
 در این عالم بر ماسراسر ،
 باید خورشید نور افشان .
 روز قلمی حدال است ،
 آخرین رزم ما ،
 انترناسیونال است
 نجات انسانها .

بهر کس کار بخلقها آزادی بد هقنان زمین

اعتصابات سراسری....

طریق اتحادیه سراسری شوراها کارگران استان گیلان بعنوان يك نهاد واقعی در امر تولید و توزیع - به اجرا در آوردن طرح سود ویژه صوبه اتحاد شوراهای کارگران گیلان - تا همین اعتبار بودجه کارخانجات در جهت گسترش امر تولید که زمینه ایجاد کار برای کارگران بیکار و نهایتاً جذب این گروه از کارگران کارخانه گیلان - ایجاد زمینه درگونی در امر تولید و جایگزینی نمودن مواد اولیه و ابزارهای کی با تولیدات داخلی جهت قطع وابستگی که در رابطه با مبارزات ضد - امپریالیستی کشورمان از اهمیت بسزائی برخوردار است - لغو قانون کارآزمایی که به اشکال مختلف در کشور اجرا میگردد و همچنین تدوین قانون کار جدید توسط نمایندگان واقعی کارگران - گونه آئین نامه شوراها کارگری را که از پیش تدوین شده باشد محکوم به عدم اجرا نموده و اعتقاد مان براین است که آئین نامه شوراها کارگری باید از دل نمایندگان برحق کارگران بیرون آید - کارگران در تاریخ ۱۲/۲۰ تصمیم گرفتند که اعتصاب خود را موقتاً مشروط قطع کرده و سه روز یعنی تا تاریخ ۱۲/۲۳ برای رسیدگی به خواستههایشان به مشغولان مهلت بدهند - به همین جهت در تاریخ ۸/۱۲/۲۰ اتحاد شوراهای کارخانجات گیلان اعلام راهپیمائی کرده و در محل ورزشگاه تختی اجتماع می کنند - از ساعت ۸/۳۰ تا ۱۰ صبح گروه گروه کارگران از مینی بوسهای پیاپی میشوند و با پرچمهای گیلانی آن شمارههای مختلفی علیه سرمایه داران امپریالیسم آمریکا محکوم کردن سازشکاری و... نوشته شده بود - در محوطه ورزشگاه جمع میشوند - درابتدا نام تمام کارخانجات شرکت کننده خوانده میشود و سپس نماینده و سخنگوی شوراها کارخانجات گیلان صحبت کرد - وی از جمله گفت : میگویند که ما کارگران عامل در شکستگی هستیم - چطور ممکن است ؟ همین آقای جزایری مدیرعامل کارخانه فرش گیلان عامل بیش از ۴۰۰ میلیون تومان بدی کارخانه فرش گیلان بود - حدود ۸۵ کارخانجات گیلان دچار کمبود بوده و مواد اولیه هستند ... میگویند که راد یونولیتوزی آزاد است - در صورتیکه بیش از ۳ کارخانه در گیلان دست به اعتصاب برای برسپیت شناختن شوراها کار خود می زنند - آیا تلویزیون کشائی ؟ مگر به تو خبری ندادیم ؟ می بینیم که بانوطه شکوت از سوسیال قمارستان روسیه میرویم - چه کسی باید صدای ما را به ملت برساند ؟ ... مبارزه علیه امپریالیسم در حرف هست - در عمل باید باشد - زمانیکه مواد و بودجه در اختیار کارخانجات نمیگردد - چطور میتوان کار و پرعلیه سلطه امپریالیسم مبارزه کرد ؟ ... اگر در اختیار کارخانه پوشتن مواد اولیه و بودجه بگردد - این کارخانه میتوانند ... کارگر بپذیرد - در صورتیکه می بینیم میروند مغذاری درست می کنند و بودجه های کلانی برای آن صرف میکنند - امروز بخشی از ماشینهای کارخانه پوشتن بیکار مانده است ... ماقبل از اینکه اعلام اعتصاب کنیم ۱۵ روز به این آقایان تذکره دادیم - بالاستاندار و ساینده امام در میان گذاشتیم - استناد اگر گفت :

من نماینده شما نیستم - نماینده حکومت - گفتیم که ام حکومت ؟ حکومتی نیست - یکی ازجه هایپد اگر دولت بشمار دستور ادرا اعدا کند و شما بداند که من مقرر نیستم چه می کنید ؟ گفت اول اعدا می کنم و بعد تحقیق ! توند اربعد از برگ سهراب ... اگر شورابصورت واقعی پیاده شود کارفرما و مدیرد بگرچاره اند - اگر شوراهاتنبودند و در جهت همین تولید موجود حرکت نمی کردند - امروز باکیما بودیم ؟ ... آخر کار انسان به سرمایه دارها نصیحت می کند ؟ ... آقای لاهوتی نمایند امام در نماز و هفته قبل بهایر جیب ضد انقلاب زد - در صورتیکه بعد از تماسی با ما - خواسته های مارا بحق دانست و در نماز جمعه بعدی بازم بنوی صارا محکوم کرد - از طرف دیگر آقای لاهوتی از سرمایه داران میخواهد که به کارگران پول بدهند - مگر مافقریم ؟ مافق خود مانرا میخواهیم - بعد از اعتصاب ما - توطئه ای را شروع کرده اند و آن حکومت است و قصدشان این است که ما را تا ۲۴ مه برسانند تا بعد از ۲۴ مه بعلت ند اشتن پول خود مان را سرکار برگردیم - اما اگر خوانده اند - ما میخواهیم نظاهرات کنیم - اگرچه ترسی ند داریم - آقای بنی صدر در مشهد گفت " اگر مقامات مشول به خواستههای شما جواب ند اند بدیایند پیش من - اول برای ما سؤال است که مگر ما انقلاب نکردیم ؟ تاکی باید شاهد این قضیه باشیم ؟ ... ما مبارزه جهت کسب حقوق خود ادامه مید هیم - این راهبار هم آرمایشی می کنیم ... با این مینیک - اعتصاب کارخانجات گیلان را می شکیم و نمایندگان از طرف خود مان (۳ نفر) به رئیس جمهوری می فرستیم ... بعضی از دوستان فکر میکنند که شکستن اعتصاب سازش است - ولی خیر - مافقط سه روز مهلت از همین جاعلام می کنیم - روزنامه ها رسانه های گروهی خواستههای ما را اعلام کنید و به گوش رئیس جمهوری برسانند تا تریبی داده شود که نمایندگان ما بارش جمهوری تمام میکنند ... پس اعتصاب حل مسائل ما در رویا گشتی بایست - پی اتحاد پیروز است - تفرقه نماند - مسائل اقتصادی است - سخنگوی دیگر گفت " مسائل اقتصادی بیکاری - تورم - در صورتیکه بودجه مواد اولیه بها بدهند و اگر شوراهای گیلان را برسپیت بشناسند - حل خواهد شد ... قانون سود ویژه وسیله ای بود برای پر کردن جیب سرمایه داران و تاسفانه شورای انقلاب با تصویب مدد این قانون ضد کارگری میخواد به سرمایه داران کمک کند ... میگویند اعتصاب نکن - تحصن نکن - اعتراض نکن - آیاراه دیگری هست که من حق خودم را بگیرم ؟ اعتصاب یک شیوه حق گرفتن است - میس بیام کارخانجات مختلف قرائت شد - در میان جمعیت عده ای مشکوک که معلوم بوده د نیائی ها بودند - حضور داشتند - آنان آنجا که شمار علیه امپریالیسم آمریکا داده میشد هیچکس حرکتی از خود نشان نمی دادند و با کارگران همدان میشدند - لیکن در مقابل هزاران کارگر که فرمان این نقاله های سرمایه داری پیشروی پیش نبودند - اجتماع کارگران بسا خواندن قطع نامه پایان یافت - فردای آروز سه نماینده از اتحاد شوراهای کارخانجات گیلان به تهران رفتند و راجع آنجا نوشتند بانی صدر مدتی صحبت کرد - بعد از آن تها صحت - بنی صدر میگوید " من برای شما هیچ کاری نمیتوانم بکنم تا زمانی که اینها در سفارت هستند کاری نمیشود کرد " ۱۱۱ پاسخ بنی صدر را که کوتاه اما

زود ادا ها و

" حق ایاب و زهاب آنها را چون جزو حقوق قانونی نیست قطع کرده ایم و اگر در گذشته اینها حق ایاب و زهاب می گرفتند دلیل نمیشود اکنون نیز بگیرند " و با این حرف که " کمیته پاکسازی در این سازمان تشکیل و به کار خود نیز پایان داد - در حقیقت در این سازمان تصفیه و پاکسازی انجام شده است " آب پاک را بر روی دست کار نگهبانی ریخت و نشان داد که هیچ قذی در راه خواسته های آنها بر نخواهند داشت - در تاریخ سه شنبه ۲۰ بهمن عده ای از کارگران و دبیلعه های بیکار در استان - در اری خوزستان اجتماع کرده و خواهان اشتغال به کار شدند - پس از آن در تاریخ ۲۳/۲ دبیلعه های بیکار در اداره آموزش و پرورش تحصن می - شوند - بعد از گذشت ۲ روز تحصن و عدم توجه به خواسته های بیکاران - در روز جمعه ۱۲/۱۰ پس از پایان نماز جمعه به تحریک عوامل شناخته شده عده ای به محل تحصن حمله ور شده که به دلیل مقاومت تحصن درگیری پیش آمد و بالاخره پاسداران و مأموران شهر بانی مدخله می کنند - این امر بانیگراست که مرتجعین چگونه از گرد هم آتی نماز جمعه برای اجرای توطئه های خود سوء استفاده کرده و افراد را بر علیه مبارزات برحق مردم ترغیب می کنند و اینکه چگونه نماز جمعه بعنوان اهری برای اعمال فشار و زورگویی و جلوگیری از

مبارزات مردم - مورد بهره برداری قرار می گیرد - چندی پیش نام تمداد از مقاضیان امتیاز تاکسی از طرف " کمیسیون ترافیک " اعلام شد تا با واریز کردن ۵۰۰ هزار ریال به حساب شهرداری امتیاز تاکسی را دریافت دارند اما با آنکه مدتی از واریز کردن این پولها میگذرد تاکنون هیچکس امتیاز تاکسی را بدست نیاورده و شهرداری با جمع آوری چنین پولهای هیچ گونه اقدای نکرده است - بهین جهت عده ای از مقاضیان در دفتر کار شهرداری بر وجود اجتماع کرده و خواهان رسیدگی به این امر میباشند - در دبیلعه های بیکار در شهرستان رودسر پس از تحصن در آموزش و پرورش در تاریخ ۸/۱۲/۵ دست به راهپیمائی زدند - راهپیمایان با دادن شمارهایی از قبیل " کار کارحق مسلم ماست " و قرائت قطع نامه ای خواسته های خود را اعلام داشتند - البته طبق معمول عده ای اوباش به همراهی عناصری ناگاه با سازماندهی فلی کوشید با شعارهایی چون " اعتصاب - تحصن - سلاح امپریالیسم - به کفنه خونی تحصن حرام است " از ادامه راهپیمائی جلوگیری ادا موفق نشدند - و شکست محسوس از ترور ناجوانراندانش - آموزانقلابی محمد رفیعی بوسیله عامل رژیم - بیش از ۵۰ تن از دانش آموزان برای اعتراض باین گونه اعمال فحیح در دادگستری رشت تحصن و خواهان محاکمه و مجازات فوری " عبدالله پارسا " که با چاقو محمد رفیعی را به شهادت رسانده بایست شدند -

«کارگر»

«شعریلکی»
مرا بخانیدی کارگر
ظاهراً آزادم ، اما اصل خواهی
مثل برده
می زور بازو فروشم
ز تیا قوت چه فته
دنیا نان از من و
من ، از همه محتاجترم
می دسته پینه بوی سرمایه دار بالشی
می زور بازو بوی سرمایه دار راحتی
هر چقدر پول داری ، مال داری ، خانه داری
سرمایه دار
همه از می زور و بازو جمع بو
زحمت من بکنم ، گردشانه تو بکودی
کارانه من بکوم ، پولانه تو جمع کودی
اما امروز من آگاهم
دانه تی سرمایه از می کار و می بازویه
دانه می عرشو تی سرمایه زیاد بود
دانه تی سرمایه می بایه زنجیر دگاده
اما امروز من آگاهم
من ز از زندگی یاد بگیم کی نشانه همی
مثل قدیم
ب دانم کی تانه ا دنیایه اگر اده بکم
درب و دلقان کم
ب الان کارگران خوب دانیدی
کی خوشان زور بازو می ایسه
ب الان کارگران خوب دانیدی
کی باید ا دنیا دلقان به
کی باید دنیای تازه آیه اتحاد آما حاکومیم

جراحی حزب نو ده...

در بین زحمتکشان ، بد روغ خود را موافق یک جریان نشان دادن و مخالف جریان دیگر بودن ، نفوذ بد داخل جریانهای انقلابی که وظیفه شان را مبارزه علیه امپریالیسم از هر نوع و شکلی قرارداد اند و دفاع کردن آنها از درون ، شاید سازی بر علیه انقلابیون راستین و بالاخره اگر این چنین روشهایی کارگر نیفتاد و نیروی کافی هم فراهم بود سرکوب صلحانه و از بین بردن تمام کانونهای مقاومت و برانگیزاننده انقلاب.

تاریخ بارها این چنین روشهای سرمایه داران جهانی را نشان داده است . سرمایه داران آن را بطور کبر و خود کار در همه جا می آزمایند . چنین روشهایی را هم حزب سرمایه داری دولتی روسیه بکار میبرد و در این راه احزاب زیر دست خود را مورد استفاده قرار میدهد . بالاخره او هم معتقد است که سرمایه داری جهان وطنی است و بنابراین استثمار هم میبایست جهان وطنی باشد . پس این حزب سعی میکند که خصوصیات و ویژگیهای را در احزاب نوکر صفت ریزینو نیستی تابع خود پرورش بدهد . یکی از این خصوصیات آن است که ، احزاب زیر نظر خود را بعنوان جاسوس در کشور مورد نظر بکار گیرند تا از یک طرف با سرمایه دارهای دیگر رقابت و مبارزه کرده و برای خود بازارها ، مواد خام و نیروی کار ارزان را فراهم نماید و از طرف دیگر از انقلاب در داخل آن کشور برای ضربه نخوردن به منافع خود جلوگیری کند .

یکی از این احزاب جاسوس نوکر صفت ، حزب توده ایران است . حزب توده ایران و رهبران آن بخوبی سیاه بازیهای سرمایه داران روسی را دریافته اند و بعنوان ستون پنجم آنان در ایران عمل میکنند . یکی از اعضا لاتان در کنار سایر عمل کردهایشان چون دنباله روی از هیأت حاکمه جدید ، سائز بین طبقه کارگر و سرمایه دار ، در حرف طرفدار سوسیالیسم علمی و در عمل مدافع سرمایه داری و نفوذ در میان سازمانهای انقلابی بخصوص سازمانهای طرفدار طبقه کارگر و دفاع کردن آنها از درون میباشند . یکی از نمونه های بارز این چنین اعمالی فرستادن جاسوس بدرون " سازمان چریکهای فدائی خلق " است . نمونه دیگر کشتن در بد نام کردن گروهها و سازمانهای انقلابی میباشد .

حزب توده مدتی است که لبه تیز حمله اش را خور یکی از سازمانهای انقلابی طرفدار طبقه کارگر و زحمتکشان بنام " سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران " (کومه له) نموده است . این حزب مدعی است " گروهک ضد انقلابی " کومه له که عامل اجرای مقاصد نوم امپریالیسم امریکا و رژیم بعثی عراق در کردستان است و با تمام قوای خود میگوید تا از استقرار صلحی عادلانه و همراه با تأمین حقوق حقه خلق کرد در کردستان مانع نکند و آتش جنگ برادر کسی را دیگر بابر افروزد ، هر چند طاهراً از " صلح " و " مذاکره " برای تأمین حقوق خلق کرد دم میزند و خود را دشمن امپریالیسم امریکا مینامد . ولی در باطن و در تشبیهات درونی خود ، جبهه های عریان و اهدا آشکارا ضد خلقی و ضد انقلابی را عرضه میکند .

(۱ مردم ۱۶ اسفند ۵۸)

مفهوم حملات فوق روشن است . اما ما باید از خود بپرسیم که حزب توده خائن حملات فوق را برای چه کسی و بجه مقصودی بیان میکند ؟

بنظر ما این حزب این حملات را برای خوش خلقی به رژیم ضد خلقی کنونی و برای نزدیکی بساوی بیان میکند ، وگرنه برای خلق کرد چون روزسواپ کومه له روشن است . تاریخ هیچگاه نشان نداده است که دشمنان طبقه کارگر و زحمتکشان چون حزب توده ، بوی از شرافت سیاسی ، از حقیقت گوئی برده باشند . منطق این حزب به او چنین حکم میکند که حقایق را وارونه جلوه دهد ، چون سگان پارس کند و پای هر کسی را که فکر میکند مخالف او است ، بگیرد .

میگویند عمل معیار حقیقت است . آیا در عمل کومه له بنفع امپریالیستها فعالیت نموده است یا حزب توده جاسوس ؟ در اینجا خود را مجبور میکنیم که مختصری از آنچه که در کردستان گذشت و در آن ارتباط نقش کومه له را در وقایع آنجا برایتان نقل کنیم . رژیم ضد خلقی از آغاز بدست گرفتن قدرت سیاسی ، کردستان را محل برنامه های سازشگرانه خود با امپریالیستها بخصوص امپریالیسم امریکا میدانست . کردستان از آن جهت مهم بود که در رژیم مغفیر پهلوی دارای سابقه مبارزاتی درخشان دهقانی و کارگری بود . بنابراین مبارزه در آنجا بر علیه ظلم قودالی و سبیه های امپریالیستی دارای سبیه های درخشان بود . کسی نمیتواند مبارزات خلق کرد در اواسط سالهای چهل که انقلابیونی خون شریف زاده ها و معنی ها ... در قلعه رژیم مغفیر پهلوی با کک دار و دسته ملا حصفی بارزانی ، برای منافع بحق خلق کرد جا باختند ، فراموش نماید . هیچ کسی هم نیست که فراموش کند در آن زمان اکثریت رهبران فعلی حزب توده چگونه با سرلشکری بختیار جلال در عراق بگفتگو میشدند و با کمک تشکیلات تهران حزب توده به رهبری عباس شهریارزاده " مأمور عالیجناب " ساواک " مبارزات طبقه کارگر ایران " را رهبری " نمیدادند " در همان زمان کاک فتواد یکی از رهبران شهید کومه له بر علیه امپریالیسم و حکومت بعثی عراق و دار و دسته ملا حصفی بارزانی با تمام قوا دست به مبارزه آنتی ناپذیر زده بود . کسی نمیتواند چشم بر این حقیقت ببندد ، زمانیکه رژیم ضد خلقی کنونی که تمامی اسناد و مدارک دال بر سازشگریهای پشت پرده آنان با امپریالیسم امریکا به پیش و چه پراز به حکومت رسیدن بود ، فتوادالها و زمینداران طرفدار رژیم مغفیر پهلوی را مسلح می نمود تا بدان وسیله دهقانان و زحمتکشان کرد را سرکوب نمایند ، چگونه کومه له صلحانه بطرف داری از دهقانان فقیر و زحمتکشان کرد برخاست و آنان را برای مبارزه علیه قودالها و سرمایه دارهای وابسته در منطقه بسیج نمود . کسی نیست که فراموش نماید اولین اتحادیه های دهقانی برای روبرو روفی با قودالها را در میوان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران بنیان نهاد و بعدها آن را گسترش داد . کسی نیست که این حقیقت روشن را نبیند که کومه له بهر سبب نیوهای سیاسی شرقی در منطقه پراز آنکه فتوا " رهبر " برای گشتار " کافرین " کرد صادر شد ، چگونه در برابر خود سربها و تجاوزات ارتش و پاسداران ضد خلقی مقاومت نمود و بالاخره آنها را به عقب نشینی واداشت . ایسوی مسائل مهم مبارزاتی برای هر دهقان و زحمتکشان

کرد که قلیش برای رهائی از زیر و ستم میبندد ، کومه له میزند از . چرا ؟ او وظیفه دارد که از نظر چون روز روشن است . برای هر دهقان و زحمت کش کرد هم تمام اعمال حزب توده خائن روشن است . خلق زحمتکش کرد بخوبی میداند که حزب توده چگونه بعنوان دلق بارگاه رژیم ضد خلقی ، حمله به کردستان را بلیک گفت ، سعی در اخلاص در هیأت نمایندگی خلق کرد نمود ، کوشش کرد که با تفرقه اندازی در بین آنها خناحها را بسوی هیأت حاکمه ضد خلقی جذب نماید ، تنفر طبقاتی را در خلق کرد از بین ببرد و بجای آن اطاعت کور کورانه از قدرتمندان جدید را به عنوان " صلح " و " مذاکره " در منطقه جا بزند امروز دیگر بر هر شخص منطقی که علیه امپریالیسم و سرمایه داری جهانی مبارزه میکند چون آنتا ب میماند که رژیم کنونی بسیج شنگی چه در راه عدم وابستگی اقتصادی و چه سیاسی و نظامی قدی بر نمیدارد . چه با رشته های وابستگی به امپریالیسم را که بوسیله قیام خونین بهمن ماه گسته شده بودند ، دوباره ترمیم مینماید . بنابراین هر عملی که این رژیم در ارتباط با خلق کرد و زحمتکشان آن مینماید ، نمیتواند خارج از برنامه های و طرحهای امپریالیستی باشد . امپریالیستها خواهان آنند که فتوادالها و سرمایه داران وابسته در ایران بعنوان پایگاه نفوذ اقتصادی وی باقی بمانند و رژیم با چنین امری موافق است . خلق کرد اما خواهان روبرو همه آنهاست . بنا بر این جنگ بین خلق کرد و یا بهتر بگوئیم خلقهای ایران با رژیم ضد خلقی ، جنگ بین دو طرز تفکر ، دو طرز بر سر خورد متفاوت به مسئله ملیت و استقلال است و بنابراین این نگرار بنفع زحمتکشان زمانی حل خواهد شد که حکومتی برهبری طبقه کارگر تمامی امپریالیستها ، از امریکا و فرانسه و آلمان گرفته تا روسیه ، سوسیال امپریالیستی و تمام ایادیشان را به زواله دان تاریخ رهسپار سازد . حزب توده خائن کومه له را شهم میسازد که در امر مذاکرات " حسن نیت " (بخوان سو نیت) دوت خرابکاری مینماید و این سازمان صلح طلب نیست بلکه جنگ طلب است . این حزب خائن کومه له را شهم میسازد که " طبق اطلاعات دقیق در تاریخ سه شنبه ۲۳ بهمن ماه چند تن از رهبران کومه له در جلسهای با حضور سرهنگ علیهار (یکی از عوامل حزب بعث عراق در کردستان) و صلاح الدین مهتدی ، در خانه ابوبکر غفوری در بوکان ، درباره چگونگی حمله به گامیاران و تلافی رسوائیهای قلی صحبت کرده و نقشه کشیدند . " (همانجا)

خوب در جمله بندی که در فیلمهای پلیسی به آن گروه گاه جلب تلمشا می میکنند توجه کنید . آن چنان میسوزد که کومه له برای خواننده کثیر آگاه به جرمیات کردستان غول بی شاخ و دمی جلوه گر شود و از آن هزاران تصویر نا هنجار در ذهن بسازد . این طلب که رژیم در صد حمله مجدد به کردستان است و حتی اعلامیه " پیسن مرگان سلطان خلق کرد " این دار و دسته ساخته و پرداخته ارتجاع که در ارتباط با حوادث گامیاران پخش شد و خود آنها مسئولیت حمله به گامیاران و مردم آنجا را بگردن گرفتند و رژیم هم با قطع مذاکرات با هیأت نمایندگی بر آن صحنه گذارد هیچ گونه جای حاشا ندارد . اما حزب توده خائن باز هم چشم بر این حقایق میبندد و آن را بگردن

انتخابات و...

نتایج آن ندارد. آنها واقعاً هم حق دارند، زیر هدف از شرکت در انتخابات و نتایج حاصل از اهمیت آن از نظر فدائیان بدست آوردن کرسی کرم پارلمان میباشد. فدائیان مسئله حمایت از کاندیداهای انقلابی را بهیچ وجه از نقطه نظر متحد نمودن صف انقلاب برای مبارزه قطعی که در آنجا دیگر مبارزه پارلمانی و کرسی پارلمان هیچ ارزشی نخواهد داشت، در نظر نمیگیرند. اما این فریضه به همین جا خاتمه نمی یابد. آنها "سیر مبارزه پارلمانی را" واقعیت مبارزه طبقاتی میدانند که باید در آن بدنهال توازن نیروها بود و این توازن نیروها معیار اصلی برای حمایت از کاندیداهای کمونیست میباشد. البته در اینکه مبارزه پارلمانی خود عرصه ای از مبارزه طبقاتی است، شک نیست. اما مستگیری و روش اساسی کمونیست ها در این عرصه مبارزه طبقاتی بهیچوجه نفس بدست آوردن کرسی در پارلمان و برقرار کردن توازن قوا که مفهوم دیگری غیر از نیست آرا درون مجلس ندارد. بلکه مسئله اساسی در جریان مبارزه انتخاباتی افشاگریهای سیاسی، بالا بردن آگاهی سیاسی توده ها، کمک رسانیدن به روحیات و گرایشات آنها بسمت مبارزه انقلابی واقعی و غیره میباشد. برخلاف تمام این اصول اولیه مارکسیسم انقلابی رفقای فدائی مدعی اند که "مبارزه واقعی میان کاندیداهای حریان خواهد یافت که... توده مردم... به آنان برای میدانند. خیر، هرگز چنین نیست مبارزه واقعی در نهایت بین مجموعه توده زحمتکش رآی دهند و هیأت حاکمه میباشد و کمونیستها تمام تاکتیکها و تبلیغات پارلمانی خود را بر پایه سازماندهی، بر پایه سازماندهی، آگاهی بخشیدن و تربیت روحیات و گرایشات توده ها بسوی این مبارزه واقعی استوار مینمایند. اما مسئله برای فدائیان از آن جهت بدانگونه مطرح میگردد که آنها سرنگونی بورژوازی ارتجاعی و کسب قدرت سیاسی بوسیله زحمتکشان نبوده، بلکه همانطور که قلاً اشاره کردیم هدف آنها در این مرحله تضعیف حکومت بورژوازی بقیت بدست آوردن چند کرسی در پارلمان و یا باصلاح خودشان "توازن و تعادل" نیروها میباشد. و این درست قرار گرفتن در موضع یک خرده بورژوا است که از یکسو میخواهد با بورژوازی رقابت کند و در این راه حاضر است با بورژوازی دست و پنجه نرم نماید (فدائیان این رقابت را مبارزه واقعی و محترم واقعیت مبارزه طبقاتی مینامند) و از سوی دیگر میخواهد که بورژوازی سرنگون شده و قدرت سیاسی بدست زحمتکشان بیفتد (فدائیان این جنبه را بصورت توازن نیرو و نتایج مستقیم انتخابات توجیه مینمایند)

مارکسیسم - لنینیسم پارلمان و مبارزه انتخاباتی را بهانه ابزاری در جهت تبلیغ و ترویج تودهای در نظر میگیرد که نتایج و تأثیرات آن نه در درون پارلمان و تصویب این یا آن قانون بدست می آید بلکه نتایج و تأثیرات آن باید متوجه توده مردمی باشد که خارج از پارلمان بوده، و نتایج و تأثیرات آن باید متوجه فراقانون توده های مردم بسوی عرصه اصلی جنگ طبقاتی و پرورش آنها با این روحیه باشد. آنچه در مسئله انتخابات و حمایت و پشتیبانی از کاندیداهای که مبین خواستها و منافع اقشار و طبقات خلق هستند، اهمیت درجه اول دارد عبارت است از کوشش در جهت هرحه روشنتر و قاطعتر شدن مرز میان صف خلق و ضد خلق، کوشش در جهت متحد کردن تمام نیروهای خلق در یک صف متحد و بر یک پایه یک برنامه حد اقل که متضمن نزدیکترین خواستهای اساسی توده مردم و مسائل و مصالح انقلاب باشد. بوجود آوردن یک چنین صف متحدی در مقابل حربه ارتجاع کجکی است اساسی به متشکل کردن نیروهای احتمالی صف خلق که نتایج اصلی آن در خود انتخابات، بلکه در عرصه اصلی مبارزه طبقاتی باید جستجو کرد. این است مقصد اصلی بودن و تحت اشعار قرار گرفتن مبارزه انتخاباتی نسبت به سایر اشکال مبارزه طبقاتی لنین در رابطه با انتخابات دوم گفت:

"باید طلب نمود نزدیکها از زیر یوغ کادتها آزاد شوند، باید از اولنها بر ضد دوسبها پشتیبانی نمود. باید فوراً لزوم سازش انتخاباتی میان سوسال دمرکاتها و نزدیکها را در صورت شروع انتخابات حد بد قبول کرد."

(در باره تحریم)

حرا لنین لزوم سازش انتخاباتی با نزدیکها را ضروری میدانند؟ آیا برای لنین معیار توازن نیروها و نتایج مستقیم انتخابات و یا حمایت تودهای معین و غیره مطرح است؟ خیر، لنین از این نظر ضرورت سازش انتخاباتی را با نزدیکها که بسیار هم ضعیف بودند پیش میکشد، زیرا که آنها نماینده منافع دهقان خرده یا بودند. بدینیم لنین در مورد نزدیکها که لزوم سازش انتخاباتی با آنها را پیش میکشد حد میگوید.

"نزدیکها در دوما سوم فوق العاده ضعیفند و بی آنها نمایند توده ها هستند. (تأکید از لنین) تزلزل نزدیکها میسبب کادتها و دمرکاسی کارگری امریت ناگزیر که ناشی از موقعیت طبقاتی دهقان خرده یا است"

"مرد نزدیکها با احزاب طاعن با باصلاح تقریباً مارکسیست های ما است که اوسها را لحاظ ضعف خود انحلال کنند و دوسبها از حاد سوسال خود. وظیفه دمرکاسی کارگری این است که بدمرکاتهای ضعیف خرده بورژوا کمک کند و آنها را از سر عبور بر آنها حاد سوسال و اردوگاه دمرکاسی را ند تنها سر

نقص کارگران...

۲- از تاریخ ۲۷/۸/۵۸ مدت سه ماه آموزش با حقوق ۱۰۰ تومان و بی اکثریت از سه ماه از تاریخ تعیین شده باشند باید از حقوق و مزایای کارگرانی که در کارخانه فرنیگیان مشغول بکار هستند بر- خوردار باشیم.

۳- بعد از سه ماه آموزش اگر افرادی در آموزش ضعیف بودند باید با حقوق و مزایای کارخانه در زیر دست کارگران ماهر آموزش مجد دبینند.

۴- برای سبوادان کلاس بیگاریا سبوادی گذاشته شود. (در حین آموزش)

۵- مابین تفاوت سه ماهه حقوق بعد از سه ماه کارآموزی به کارگران پرداخت شود (غیر از حق سکن و غیره)

۶- در اصل اولیه استخدام اگر افرادی از لحاظ شرایط سنی و معاینات پزشکی مردود شدند باید حقوق یکماهه خود را از استانداری دریافت کنند.

۷- آموزش تئوری با عملی توأم باشند.

حاج حسن احسان بخش نماینده امام

دکتر حبیب الله داوران استانداریکلان

برای پیشبرد مبارزه بکمکهای مالی شما نیازمندیم

کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید با نام مستعار به ما برسانید. ما محض دریافت آن در اولین شماره نشریه خبر دریافت راهمراه با مبلغ ارسالی بازگه نام مستعار درج خواهیم کرد.

کمکهای رسیده

۵۲ - ک	۲۰۰۰۰ ریال
۷۱۲ - ن	۵۰۰۰
۲۱۸ - س	۵۰۰۰
۲۵۶ - ر	۲۵۰۰
۱۰ - آ	۴۰۰۰

مهندس شعلی نماینده کارخانجات استان گیلان

مهندس رزاقی مدیر عامل کارخانه فرنیگیان

ضد دست راستیها، بلکه بر ضد کادتهای ضد انقلابی نیز با فتردی هرحه بیشتر متحد سازد.

(احزاب سیاسی در روسیه)

مینیم آنچه که برای لنین اصل مطرح نیست مسئله میزان و فلان مقدار رأی و یا اراحتی مثل توازن نیروها و نتایج مستقیم انتخابات میباشد. لنین بروشنی میگوید نزدیکها ضعیف هستند، اما حایند توده ها میباشند، لذا باید از آنها در مقابل لیبرالها پشتیبانی کرد و به آنها یاری رسانید. مسئله در اینجا بر سر مقایسه نیست که چه کسی مشابه نزدیک است و چه کسی مشابه دمرکاسی کارگری.

منظور ما نشان دادن روشی است که لنین در رابطه با مسئله انتخابات در قتال سایر نیروهای انقلابی اتخاذ مینمود.

از نقل قول فوق بروشنی این مفهوم مستفاد میگردد، که لنین مبنی حرکت خود را کک به دمرکاتهای ضعیف برای متحد کردن و هر چه بیشتر فشرده نمودن اردوگاه دمرکاسی در مقابل دست راستیها و لیبرالها (کادتها) ی ضد انقلابی قرار میدهد. معیار برای لنین منافع واقعی طبقات و انعکاس آن در گروهندیهای سیاسی میباشد. زیرا که لنین هرگز به اوامر فریضی دچار نگردد بلکه همیشه منافع واقعی طبقات و گرایشات و روحیات توده ها را در مد نظر میداشت و آنها را باید مادی تحلیلها و نظرات خود قرار میداد. اما براد رفقای فدائی که در سیر قهرانی اپروتونیم راست افتاده اند هیچکدام از این اصول لنین کمترین ارزشی ندارند. فدائیان با تزهاری رفت- میشتیان در رابطه با مسئله انتخابات درست در موضع یک خرده بورژوا قرار گرفته که همه حسز را از درجه سود طلبی آبی مینیند. آنان میگویند ما به کاندیداهای کمونیست یا باصلاح خودشان خط ۳ رأی نمیدهم. ما مانی ایند تولوزیک و طبقاتی این موضع را در شماره آینده خواهیم شکافت. اما یک مسئله آخر را توضیح دهیم. فدائیان از کاندیداهای کمونیستها

پشتیبانی نمیکند اما از آیت الله کزاده غفوری و حاج محمد مدبر شانه حی که اولی یک روحانی مرفی و مبارز و دومی کاندیدی "کسه و بازاربان ترقی خواه" است رسماً پشتیبانی میکنند. دلیل فدائیان برای این کار طبق استدلال قلی حتماً این خواهد بود که آنها از پشتوانه توده ای برخوردارند. اما ما سوال میکنیم این کاندیدها منافع کدام طبقه یا قشر جامعه را

نمایندگی میکنند؟ مگر غیر از این است که آنها سهر صورت از اقشار مرفه جامعه میباشند حال اگر مسئله را از جنبه واقعی آن در نظر بگیریم، یعنی حکومتی پشتیبانی از کاندیدهای مختلف بر اساس منافع طبقاتی، مناسی مبارزاتی و تقویت صف نیروهای ضد امپریالیست و دمرکات تمسین شود آنگاه الزاماً بدین نتیجه میرسیم که سازمان جریکهای فدائی خلق از نظر سیاست و هدف بیشتر با آیت الله کزاده غفوری نزدیک است تا مثلاً به امیر حسین احمدیان و یا مرتضی آزاد پور که مستقیماً از جری سبهای کمونیستی کاندید شده اند و با سیاست و برنامه فدائیان بیشتر سبب حایند "کسه و بازاربان ترقی خواه" نزدیک است تا به کارگر مارزعلی عدالت فام که از طرف کارگران سکار کاندید شده است. لیست مورد پشتیبانی فدائیان در طهران تنها شامل سبب کاندیدها میباشد. یعنی حای ده کاندیدی دیگر خالی است. خالی گذاشتن حای ده کاندید و در عین حال اعلام رسمی احتراز از دادن رأی به کاندیدهای کمونیست عملاً هیچ نتیجه ای غیر از بالا آمدن نسبت آرا ده نفر از کاندیدهای سراسر و مرتجع نخواهد داشت. معنی نتیجه عملی سیاست راست روانه و عد پشتیبانی از کاندیدهای کمونیست، یاری رسانیدن به مرتجعین میباشد. البته بدیهی است که این نتیجه عملی بر رفقای فدائی بونیده نبوده است. ما در شماره آینده نشان خواهیم داد که حکومت فدائیان قد و قدم با حش کمونیستی مرتجی کرده و بدروپونستهای خائن حزب توده نزدیک میشوند.

اعلامیه

امیر حسن آه‌ن کرج وابسته به شرکت ملی دوا آه‌ن که شرکتی است دولتی و در زیرمجموعه شرکت آریا معروف بود، مدیر آن در زیرمجموعه ملی دوا بود که کاملاً ضد کارگر بود. این ماهیت سیستم سرمایه داریست که کسانی را برپا می‌دهد علیه انسانهایی که ثروت اجتماعی را تولید میکنند. یکی از افتخارات این مدیر در زیرمجموعه ملی دوا کارگری و استخدام اوایل و حقایق بدست جهت سرکوبی اعتراضات و خواستههای کارگری بود. بعد از نیمه هجدها هشت ماه در شرکت خود باقی ماند و آخر هم به بهانه مرضی قلب نزد اربابان و سروران دیروز به پاریس رفت. بعد از او مدتی نامی که تا دیروز سنگ شاه را سینه میزد و در این مورد انگشت نهاده بود، با پشتیبانی از "جمهوری اسلامی" و زیر لوای "حزب الله" با همان شیوه مدیریت سابق کار را به عهده گرفت.

ما کارکنان این شرکت که حدود ۲۳۰ نفر هستیم (۴۰ نفر کارمند، ۳۰ نفر قراردادی و باقی کارگران روز مزد) و در بین ما افرادی هستند که حدود ۳۰ الی ۴۰ سال در این شرکت کار میکنند ولی هنوز این حامیان ضد کارگر آنها را استخدام رسمی نکرده اند، چه در زمان طاغوت و چه در زمان فعلی و تا کنون که حدود بیست سال و اندکی از قیام ملت قهرمان ایران میگذرد، فقط وعده و وعید داده اند. همانطور که میدانید اینجا اخبار پخش آه‌ن به سراسر ایران است و هر روز باید تیر آه‌ن را با مرتضی و قطار کرده و چند سال پیش بعثت یاره شدن سیم حرقیل، کارگری فدای ستم ضد کارگری کردید. تا دلنا بخواد اینجا دست و پا نکند داریم و خواهیم داشت. چون که محیط کارخانه فاقد وسائل ایمنی است. دست مزد کارگران با کار زیر ده سال ۱۰ تومان و بالای ده سال روزی شصت تومان میباشد. یک شورای متشکل از پنج نفر موجود آورده بودیم که مدیر کارخانه و نظارت بر بخش را به عهده گیرد. اما آقای مدنی ضد کارگر میگفت "شورا اصلأ ممنوع ندارد و تازه اگر هم باشد باید تحت نظر من باشد، چونکه من رئیس هستم و از بالا به این مقام منصوب شده ام". ولی به هر طریق که بود ما شورا را بوجود آوردیم که انقدر مخالفت شد از طرف بالا که سه نفر آن مجبور به استعفا شدند. ما از نحوه ریاست مدنی ایراد داشتیم، چونکه آه‌ن آلت مردم را میخورد حیف و میل میکرد. شکایاتی به رئیس جمهور و دفتر امام ... کردیم تا بالاخره در تاریخ ۸/۱۲/۱۳۸۵ بازرار از مرکز آمد برای تحقیق نسبت به اوضاع و حال کارگران و رسیدن درد ما کارگران چیست. ولی آقای بازرار از دفتر مدنی تکل نخورد چونکه تا مدتی دوستی دیرینه داشت و اصلأ انگار صحبت با کارگران را ننگ میدانست و این بود بازرار دولت فعلی دولتی که در حرف حامی کارگران است چونکه از بازرار فرستادن معلوم است، بقول معروف شد نمونه خروار است. شرکت تعاونی نیز در حدود چهار سال است که دائر گرد ما و ولی هنوز یک ریال سود به ما تعلق نگرفته ولی به روشا را به عرض کنیم! تقاضای وام از اداره کردیم میگویند بودجه نیست. میگویند که بابا این شب عیدی بدهی داریم، قرض داریم، نزول میدهیم، لاقا سه هزار تومان بدهید، گفتند اصلأ حرفش را ننیزید، دولت تازه کار است، صبر انقلابی داشته باشید. ولی به روشا و بعضی از کارکنان (ساوکیهای سابق) صد هزار تومان وام میدهند و انگار اینجا دولت بودجه دارد و صبر انقلابی هم نمیخواهد. زهی به این بشیر! یعنی سه هزار تومان بیشتر است از صد هزار تومان. بین کارگران بوسیله همان ساوکیهای سابق اختلاف می اندازند. آنها می گویند که از کارگران حایلوسی میکنند و حامیوسی آنها را و بلندگوی مدنی هستند. شرکت دوا آه‌ن شرکتی بود دارای زندان ضد کارگری و ساوکی هم مثل ریگ وجود داشت ولی آن باصطلاح یکساری که در ادارات دیگر شده در این اداره هم شده. طبق اسناد آشکاری که در زیرمجموعه سابق ساوکی آنها را با یکدیگر میکرد و کارگران سار را دستگیر میساخت و هنوز هم بصورت با یکی وجود دارد و به احتمال زیاد از آن استفاده میشود. این بود شرح حال از اخبار پخش آه‌ن کرج.

"جمعیتی از کارگران ساز اخبار پخش کرج"

تورود...

از این قرار بود که هنگامی که دکتر رحمت الله - حمید بر سر کارش صرفت، بوسیله یاسد ارانی که لباس سلوچی پوشیده بود بدو بدو شده و سپس بتوسط همانها که در میان نشان رئیس سیاه یاسد ارانی انشهر نیز بود، به گوله بسته میشود. دو گوله سینه او را میخراشد و پنج گوله در گردن و سینه و صورت او فرو میبرد. وی تا نسیاحت در خون خود غوطه میخورد و در حاشیه کاغذ از هوش رفته بود، به بیمارستان رسانیده میشود. این رزمند دهیج چند بار از سوی حمران حلاله به تهران اعضار شده و مورد تهدید قرار گرفته بود. سن آزان که مردم سراوان، زاهدان و ... از موضوع با خبر میشوند به خیانت بار بسته و خواستار عازات غا- ملا این عمر قمع میشوند. انقلابین بشوچ میکنند که او را به تهران برده و در بیمارستان

بستری نمائند و بآنکه از ژانده امری طلب شک هلیکوپتر برای حمل این رزمند، بشوچ کرده به درد با کارکنانهای ژانده امری روبرو میشوند. بالاخره رحمت الله حسین بر این بارز حجتکشان با هوایا چند نفره ای که آشنایانش از تهران تهیه کرده بودند، به تهران منتقل و در بیمارستان بستری میشود.

محمد رفیعی دانش آموز انقلابی به نقضات انتخاات در شهر رشت محله "بوسار" اخترا می کند. پس از آنکه وقت رأی گیری به پایان می رسد و حوزه مزبور برای شمارش آرا بسته میشود، رژیم ضد خلقی یکی از آزادیای حاکم کش راه تمام "عبد الله یاربا" به سراغ شهید محمد رفیعی می فرستد و این دانش آموز انقلابی راه شهیدات می رساند.

اینها نمونه های شستار دیگر ماهیت ضد خلقی، ضد دموکراتیک رژیم راجوسی عیان میباشد. قدرتمندان کبکی باهرت از این ترورهای سیاسی

کارگران پارس.....

آرایش شده و حشّه شرعی بخود گرفت و چه خوب کارگران کارخانه پارس متال این قوانین را سا کوشش و پوست خود لیس کرده اند. زیرا کارخانه در حدود ۱۵ سال از عمرش میگذرد و براسستی که در طول این ۱۵ سال بر کارگران چه ستمها که نرفته است. آنها از سستی که بر برادران افغانیشتا در این سالها بوسیله سرمایه داران مفتخورا اعمال شده میگویند، از کارگرانی صحبت می کنند که چگونه حاضر رسود آوری بیشتر کارگر فرما، حاشا را در کارخانه از دست داده اند، از سدیگا میگویند که امروز تدبیر به "شورای اسلامی" گشته است و بالاخره از مبارزات نشان در راه گرفتن اولیه ترین و طبیعی ترین حقوقشان صحبت می کنند. کارخانه یک کارخانه ریخته گری است که در آن حدود بیست از ۲۰۰ کارگر کار می کنند. تولید کارخانه عمدتاً فولاد های حدنی است. کارگران در سه شیفت کار می کنند. وضع هوای سالنها شدت آلوده است. بعثت دود ناشی از مواد مذاب در کوره ها و بون غار سرب در هوا، کارگران بعد از چند سال کار دچار سلس میشوند. حرارت کوره ها در زمستان به ۱۹۰۰ درجه میرسد و کارگران نیز در تماس نزدیک با کوره ها کار می کنند. خود کارگران میگویند اینجا از شکجه گاه هم بدتر است چون در شکجه گاه انسان یک مدت معینی شکجه میشود اما در اینجا ما تا جان در بدن داریم باید شکجه شویم. در این کارخانه هر سوم بود ما ست که تعدادی از کارگران را بعنوان کارگران موقت استخدام می کردند و به این دلیل که کارگران هیچ حقی مثل سود ویژه و یا حقوق ایام تعطیل به آنها تعلق نمی گرفت. البته باید بگوئیم که سابقه کار بعضی از این کارگران موقت به بیش از ۴ سال میرسد. چندی پیش بعثت سازمانت پیگیر این دسته از کارگران و با اعلام پشتیبانی کلیه کارگران پارس متال، این دسته از کارگران نوشته اند حقوق قانونی خود را دریافت دارند. البته باید بگوئیم که کارفرمایان سعی داشتند که بدین کارگران استفاده ای و موقت تفرقه انداخته تا با جزا کارگران موقت را سرکوب کنند که این حیلّه کارفرما بعثت اعلام پشتیبانی کارگران استفاده ای از کارگران موقت را شکست برپوشد. در تاریخ ۱۶ اسفند ۸۵ شورای ضد کارگری کارخانه اعلام نمود که جلسه عمومی برقرار میشود. در این جلسه، شورا مطرح نمود که فقط ۱۰۰۰ تومان عیدی بکارگران تعلق میگیرد. در همین موقع صدای اعتراض کارگران بلند شد. کارگران خواهان ۳۰۰۰ تومان عیدی بودند و شورا می گفت که نمیتواند به این جواب دهد. سپس تحصیلان یکی از سهام داران اصلی کارخانه که از طرف دولت نیز از اعضا هیأت مدیره است، پشت بلند گرفته و سعی کرد با حرفه های از قبیل اینکه من خودم نیز کارگر کم، بودجه نداریم، دولت ما انقلابی است، ما باید بحرفهای او گوش فرادهم و یکسری از این مزخرفات کارگران را بفریبد. اما کارگران محکم و استوار برخورد کردند.

که انجام میدهند، در حقیقت خدمت به منافق امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا میباشد ضمن اینکه جبهه واقعی خویش را که درس ماسک طرفداری از محرومین پوشانده اند، برملا میزنند.

آنچه می بینیم، در حقیقت خدمت به منافق امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا میباشد ضمن اینکه جبهه واقعی خویش را که درس ماسک طرفداری از محرومین پوشانده اند، برملا میزنند.

خود با فشاری میگردند و با وجود اینکه کارخانه تعیین شده بود و روسها با تمام حرکت بودند. کارگران حاضر نبودند به خاند های خود برسند. تحصیلان دستباز شده بودند و نمایندگانی را میگفتند که امیک از شما را کارگران قبول دارند برای آنها صحبت کنید و آنها را متقاعد سازید که حاجتبه روزی بوقت بدهند. اما کارگران هیچکس را قبول نمی کردند. تا اینکه یکی از نمایندگانی با عنوان نامه و متوسل شدن به قسم از کارگران برای سه روز وقت گرفت. حاجتبه بعدی شورا در روز ۲۳ اسفند برگزار شد و طبق معمول سرمایه داران بقول خود وفادارند. در این جلسه نمایندگانی شورا بعد از اینکه فضلأ از خودشان تعریف کردند، گفتند که ما توانستیم برای شما تا ۲۰۰۰ تومان پاداش و عیدی بگیریم. آنها می گفتند که دولت اعزام کرده اگر زیاد عیدی داده شود دستگیر می کنند و کسانی را هم که بیشتر از مقدار تعیین شده عیدی داده اند، تعقیب خواهند کرد. بعد از این صحبتها شورا میخواست با یک تکمیل سرته قضیه را هم بیاورند و هیچ فکر نمی کرد که کارگران هنوز هم معترض باشند. در این موقع یک دفعه کارگران شروع به اعتراض کردند و یکی از کارگران پشت گرفته و گفت "اینجا میخواهند با تکمیل گش مارا فریب دهند، این روزها برای اینکه کسی را خراب کنند بر حسب کمینست میزنند و شایعه می کنند که طرف کمینست و ضد انقلاب است. من به ایمن حرفها کاری ندارم، من حق را میخواهم و بخاطر همین حرفم را میزنم" و سپس در ادامه حرفهایش گفت "ما اصلأ عیدی نمیخواهیم، حق واقعی خود ما را میخواهیم. در تمام سالهای پیش کیسه جنس ها را کلیشه ریال گرانتر از فاکتور میفرستادند، ما سود این ه ریال اضافه فروشنه را میخواهیم" او بعداً حرفهایش را تکمیل کرد و گفت این ۲۰۰۰ تومان عیدی را فقط به این شرط می گیریم که شورا این سود را هم حساب کند و به ما بدهد و ما به خاطر اینکه مسئله محکم درست گرفته نبود یک ماه به شورا مهلت میدهیم. پس از آن یکی از اعضا سند یکی سابق نیز صحبت کرد و به علت تضادی که وی با تحصیلان پیدا کرده بود شروع به افتاکر نمود. او گفت "تحصیلان در اصفهان ۸۰ هزار هکتار زمین زیر کشت دارد، این زمین را از همین کارخانه خریدار است. ویلای در حاشیه حالوس دارد که چهار سال است که در حال ساخت آن می باشد. تحصیلان اصلأ خصوصیتی یک تراشکاری در حاشیه یاسین و ... دارد و تمام آنها را از بول همین کارخانه بدست آورده است. در اوائ صحبت او وعده ای اعتراض کرد و گفتند که چرا این مسائل را آن موقع مطرح نمی کردی؟ و اکثریت کارگران می گفتند دعوی دودار زده است، بکه اید اینها خودشان را افشا کنند. کم کم رزمه افشاکن افشاکن در بین کارگران افتاد. در هر صورت کارگران با حمایت از سخنهای کارگر اول سر کار برگشتند اما سازمان نشان انداد دارد.

تعطیل شدن مدارس ... دانش آموزان است، بر جرد دارند، امروز نیز تنها با اتحاد خود و بی گیری فاطمات، مبارزات بر حجتان متوانید منت این رسوایان را باز کرده و آنها را به عقب نشینی وادارید. نگذارید با اخراج معلّم و دانش آموزان مبارز، در مدار محیطی مطابق میل مترجمین و مناسبت رنده و یک تازی انگیزه ارتجاعی فراهم آید.

تحصن کارگران فرش گیلان

بدین بیان مذاکراتی که عده ای از کارگران در باغات استان ۱۰ استان را نمایندگی می‌کنند، اعلام می‌دارند. این بود که پس از طی دوره سه ماهه آموزش (مهندسین فرش) (حاج حسن احسان بخش) مدیر کارخانه نظری و عملی به استخدام کارخانه فرش گیلان (مهندسین فرش) (مهندسین فرش) به عمل درآیند. اما اکنون پس از دیدن این دوره و با آمدن خواسته های زیر به توافق رسید:

این اخراج باعث شده که در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۸ ۱۶۸ نفر افراد مراحل استخدام را طی نموده و حدود ۲۰۰ نفر از بیکاران رشت در استانداری تحصن شوند.

کارفرما که تاکنون ۱۵ میلیون تومان برای بیکاران انداخته است، در کارخانه از دولت وام گرفته است، ظاهر آنست که برای تهیه مواد اولیه به ۵۰ میلیون تومان دیگر احتیاج دارد و چنانچه این مبلغ را دریافت نکند قادر به استخدام کارگران نخواهد بود. در کارخانه فرش گیلان در شصت کارگر کار می‌کنند و با اینحال بخش رشت کی ۱۰ کارخانه را اخراج می‌نماید. متحصن می‌نماید که کارخانه هنوز ظرفیت بیکاری ۵۰۰ کارگر دیگر را دارد. بهرحال همچنانکه انتظار می‌رفت تحصن بیکاران با اعتراض دست اندرکاران حکومتی از جمله استاندار گیلان مواجه شده است.

متحصن در تماسی که با استاندار گرفتند از وی فقط جوابهای سریال شنیده اند و حتی استاندار برای اینکه گریبان خود را خلاص کند به بیکاران گفته است "بروید تظاهرات کنید"، "بروید ۳-۴ دست بکوبید"، اما با بازاریاری بیکاران منشی سر تحصن در استانداری مواجه شد. تحصن بیکاران مورد حمایت مردم مبارز رشت قرار گرفته است. متحصن با در دست گرفتن پلاکاردهای بزرگی که بر روی آنها نوشته شده است "مردم قضاوت کنید" و با چسباندن سه سند که نشان دهند توافقات قتل منشی برآستد امان است، به افتاء رژیم جمهوری اسلامی و جلب بیشتر حمایت از جانب مردم پرداخته اند. آنها هنوز جوابی در رابطه با استفاده امان دریافت نکرده اند و تحصن ادامه می‌دهد. من می‌کنی از سند هاجن است:

صورت جلسه مورخه ۵۸/۹/۱۸ مذاکراتی

"این نامردمان، سنگ را بسته و سنگ را گشوده اند"

سعدی می‌اندازد که سکوند "این نامردمان، سنگ را بسته و سنگ را گشوده اند". در بیانیکه هیأت حاکمه سنگهای خاراى جنس انقلابی و فدائیس را می‌بینان نظیر محمد یزدانیان، محمد رضا اسحاقی، تقی شهرام و دهها مبارز قهرمان دیگر در دوران دهمه های زندانبانان، حکومت ساواکیها این جلادان آگاه رژیم مغرورانه باجرات تمام روزه می‌کنند که "ماحقان را میخوانیم" و به زمین و زمان ناسزا می‌گویند. چگونه است که این مزدوران در خیابان آزادانه در مملکت می‌لوند، میتینگ برگزار می‌کنند (البته در اینداد بیکار دست های اوباش حزب الله که هرکس را بخواهد انقلابی جمع می‌نموند، باجوب و جماع حاضرند، خیری نیست) و تازه نخست وزیری "جمهوری اسلامی" هم قول رسیدی به "حق" اینان را می‌دهد. طبق همان خبر روزنامه گیلان یکی از کارمندان دستگاه جبهی ساواک فریادی می‌کشد که "همین مایه که 'اضیت' را در کشور حفظ کردیم و حتماً امروز اینان هستند که 'اضیت' را در کشور حفظ می‌کنند و اگر چنین نبوده در صفحه ۲

ترور فاشیستی انقلابیون محکوم است!

مبارز بگوریم ضد خلقی بوسيله ايادی آشکار و پنهان خویش دستبراه خون عده ای دیگر از طرفداران مستکبران میهن مآلود ساخت. امیر احمدی: دانش آموز انقلابی که بوسيله اوباشان حزب الله در تبریز در روز بزرگداشت ساهنگ به شهادت رسید.

سعدی عقیقی: یکی از طرفداران طبقه کارگر و زحمتکشان است بوسيله عوامل سپاه پاسداران ضد انقلاب بوده و پس از شکنجه های فراوان به شهادت می‌رسد.

رحمت الله حسین بر: یکی از مبارزان راه آزادی که در بین مردم بلوچستان دارای محبوبیت فراوان بود بدست پاسداران ترور می‌شود. واقعه در صفحه ۱۱

چه کسانی جلادان را فراری میدهند؟

تاکنون چندین بار خبر دستگیری سرهنگ سابق شهرانی "قدوی" در روزنامه عارح کرید است که آخرین آن در اواخر اسفند ماه می‌باشد. این دستگیری و آزادی فوری نشان دهنده خیانت های کینه حیان و پاسداران و تانیهای آنها عوامل مزدور رژیم سابق می‌باشد.

سرهنگ "قدوی" معاون زندان شهرانی اصفا در رژیم گذشته بود که تاکنون چند بار دستگیر و باز رها شده است. سرهنگ قدوی "این مزدور پست شهرانی شاه بااعمال نفوذ و گرفتن شانس تقبی برای خود و خانواده اش سعی در فرار از کشور را دارد. امامهنگس حسین طلکوب کیمت؟

بقیه در صفحه ۴

چرا حزب توده علیه کومه له اتهام میزند؟

داری احسان رشد و شکوفائی می‌نموند، در ابتدا بحره موافقین و سپهره نوکران حزب ریزش پرستی شوروی تبدیل شدند. از آنجائیکه احزاب سرمایه داری مخالف هر نوع انقلاب و شکوفائی ابتکار و خلافت کارگران، دهقانان و تمام رحت کسان جهانند، بنا بر این میبایستی که آنها روشها و طریقه ها را بیابند تا بدان وسیله بتوانند از انقلاب جلوگیری کرده و بطول عمر سرمایه داری طفیلی (امپریالیسم) بیفزایند. راه های رسیدن به هدف بدین شکل انتخاب می‌شود: پائین نگه داشتن سطح آگاهی توده های زحمتکش، تفتیش افکار، ایجاد در دستگی و نفای

بقیه در صفحه ۹

پس از آن که حریف مرتد در حزب کمونیست شوروی که با کوششهای سالیان دراز لنین کبیر و استالین بزرگ پی ریزی شده بود، کودتا نمود و تمامی دستاوردهای سوسیالیستی این حزب کبیر کارگران را که منتهی به تمام کارگران و زحمتکشان جهان بود، نابود ساخت و در راه سرمایه داری گام نهاد، محور گردید که از یک طرف در رقابت با سرمایه های جهانی باشد و از طرف دیگر در اتحاد با آنها برای سرکوبی انقلابات خلقهای جهان همزیستی نماید.

پس از این واقعه مهتارخی در بین احزاب کمونیست جهان انشعاباتی رخ داد و آنها که در اساس تفکر و عمل در دایره خاصیات سرمایه

رویدادها و اخبار کوتاه

اراک - کارگران بیکار اراک در تاریخ ۱۲/۱۵ در مقابل ساختمان استانداری استان مرکزی اجتماع کردند. در این اجتماع کارگران بیکار خواهان اشتغال میگشتند.

تهران - معتمد عدم برداخت عیدی به کارکنان مانیش سازی تبریز، بیش از ۲۰۰ نفر از کارکنان این کارخانه دست به اعتصاب زده و در مح کارخانه تحصن نموده اند.

مرودشت - کارگران کارخانه قدس مرودشت از روزیکشنبه ۲۶ اسفند دست به اعتصاب زده و با تحصن خود در کارخانه خواستهای خود را مطرح ساختند. از جمله خواستهای این کارگران برداخت عیدی و یاد اشر همعین رسیدگی بوضع استخدامی آنها می‌باشد.

سنگ گلا - محمدرضا آبد روستائیان "سنگ گلا" در هفت کیلومتری شرق محمدرضا آبد (مبارزین) غیبی رسیدن اراک و ما کهین مرتجع این روستا دست به راهسازی میزنند که بسا حصه پاسداران و مأمورین نیروی عوامی مستقر در پاسگاه "سنگ گلا" شجریه درگیری سختی می‌کند. بعد ازاں پاسداران حکایت زخمی اغلام می‌کنند که است کسانوزان با اجتماع مردم حدود در روز ۱۰/۱

گلوله بجای کار

باز در استان سال جدید، گلوله و ضرب و جرح و خونریزی و دستگیری، هدیه نوروزی مقامات حکومتی برای مردم مبارز و زحمتکشان ایران از جمله مردم اندیشمند بود.

در روز ۲۵ اسفند ماه کارگران و دبیرینه های بیکار شهر امیدیه برای بدست آوردن کار که از ابتدائی ترین حقوق هوانسانی است، دست به راهپیمائی زدند. این راهپیمائی بدین بیان مبارزاتی بود که بیکاران جهت تأمین معاش کارمندان تاهل شروع کرده و مقامات دولتی قول داده بودند که تا موعد مقرر میتینگ بیکاری را احداث کنند. اما اسکند از گذشته بیکاران کارنامه اعمال حکومتگران جدید به تمام مردم نشان داده که قولها و وعده و وعید های اوباش نکردهاها وعده های "آریامهری" برای رسیدن به "نروازه تمدن بزرگ" می‌باشد.

بقیه در صفحه ۲